



سال
هفت مضاعف
کار مضاعف



وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی
دفتر انتشارات کمک آموزشی



ROSHD

۲ یادداشت سردبیر
فناوری کتابخانه‌های دیجیتالی

۳ تجربه
نسل جدید، نسل شنیداری / مصطفی رحماندوست

۴ علمی
سوزن در انبار کاه (قسمت اول) / یزدان منصوریان

۵ نگاهی دیگر
از ولگردی در راسته‌ی کتاب‌فروشی‌ها تا وب‌گردی در
سایت‌های کتاب و کتاب‌خوانی / مرتضی مجدفر

۶ آموزش
چگونه کتابخانه‌ی شخصی دیجیتال داشته باشیم؟ / علی‌رضا منسوب بصیری

۷ طنز
کتاب‌خانه هم کتابخانه‌ی مجازی / رویا صدر

۸ آموزش
آموزش نرم‌افزار SCRATCH (قسمت دوم) / آرزو امیر جاملویی

۹ تجربه
بررسی ایستادن پنگوئن‌ها به صورت جمعی به روش شبیه‌سازی / مهشید ژاله

۱۰ تجربه
نجوای شبانه‌ی کتاب / شیبا ملک

۱۱ گزارش
گزارشی از کتابخانه‌ی ملی / زینب گلزاری

۱۲ آموزش
ساختن کتاب همراه با نرم‌افزار Ketabche / محمدرضا معینی

۱۳ معرفی کتاب
مباحث نوین کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی / بهناز پورمحمد

۱۴ تجربه
مراقبت بدون ملالت / سیده فاطمه شبیری

۱۵ آموزش
ترفندهای Word / احسان مظلومی

شماره‌ی ۲ / آبان ماه ۱۳۸۹ / دوره‌ی هفتم / شماره‌ی پی‌درزی ۴۸
رشد مدرسسه‌ی فردا
ماهنامه‌ی آموزشی، تحلیلی و اطلاع‌رسانی
برای معلمان، کارشناسان فناوری اطلاعات و ارتباطات آموزش و پرورش و دانشجویان تربیت معلم

مدیر مسئول: محمدناصری
سردبیر: محمد عطاران
شورای برنامه ریزی و کارشناسی: شیبا ملک، سیده فاطمه شبیری، زینب گلزاری
مدیر داخلی: بهناز پورمحمد
ویراستار: بهروز راستانی
طراح گرافیک: عبدالحمید سیامک نژاد
چاپ: افست (سهل‌عام)
شمارگان: ۴۵۰۰۰ نسخه

نشانی پستی دفتر مجله: تهران، صندوق پستی ۱۵۸۷۵/۶۵۸۵
تلفن: ۰۲۱-۸۸۸۳۱۱۶۱ داخلی ۳۷۰
تلفن پیام‌گیر نشریات رشد: ۰۲۱-۸۸۳۰۱۴۸۲ و ۸۸۳۳۹۲۳۲
کد مدیر مسئول: ۱۰۲
دفتر مجله: ۱۱۲
امور مشترکین: ۱۱۴
تلفن‌های امور مشترکین: ۷۷۳۳۶۶۵۶ و ۷۷۳۳۶۶۵۵
نشانی امور مشترکین: تهران، صندوق پستی ۱۶۵۹۵/۱۱۱

www.roshdmag.ir
E-mail: farda@roshdmag.ir

فناوری کتابخانه‌های دیجیتالی

نتایج مقدماتی پژوهشی که یکی از دانشجویان دکترا در ایران درباره‌ی دانشگاه‌های مجازی انجام داده است نشان می‌دهد که بین دانشگاه‌های موجود، دانشگاهی موفق‌تر بوده که منابع مورد نیاز دانشجویان خود را به صورت دیجیتال در اختیارشان قرار داده است. دانشجویان این دانشگاه برخلاف دانشجویان دانشگاه‌های دیگر که به دلیل نداشتن منبع به دروسهای زیادی دچار شده بودند، با وجود این که در نقاط دور افتاده‌ی ایران و نیز خارج از کشور به سر می‌بردند، رضایت بیشتری از عملکرد دانشگاه داشتند. این مطالعه و مطالعات مشابه که در کشورهای دیگر انجام شده است نشان می‌دهد، یکی از ارکان آموزش‌های مجازی، «کتابخانه‌ی دیجیتالی» است و تصور ارائه‌ی آموزش مجازی بدون آن منطقی نیست؛ کتابخانه‌ای که دسترسی همزمان شمار فراوان افراد را به یک منبع میسر می‌سازد، موانع جغرافیایی را رفع می‌کند و گردش اطلاعات را سرعت می‌بخشد.

خوش بختانه «سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران»، با ایجاد حافظه‌ی رقومی (دیجیتال)، شمار فراوان اطلاعات را بدون محدودیت و به صورت رایگان در دسترس کاربران خود قرار داده و با کمک نویسندگان و مؤلفان در حال تکمیل آن است. پیش از آن نیز در سطحی محدودتر، «دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» نسخه‌ی دیجیتال کتاب‌های درسی را در سایت خود قرار داده است تا از یاد ببریم سال‌هایی را که ما برای دسترسی به کتاب‌درسی باید پیش فروشنده‌ی محله‌ی خود اسم می‌نوشتیم و در نوبت قرار می‌گرفتیم و گاه نیز معلمان بر اساس کتاب‌های سال‌های قبل درس می‌دادند تا کتاب نو به شهر آن‌ها بیاید.

کتابخانه‌ی دیجیتالی فرصتی است برای توسعه‌ی فرهنگ و آموزش و نباید به آن به عنوان رقیبی برای کتاب‌های چاپی نگاه کرد. آمار نشان می‌دهد که توسعه‌ی کتابخانه‌های دیجیتالی در کشورهای پیشرفته، موجبات کاهش شمارگان کتاب‌های چاپی را فراهم نکرده است. بلکه انتشار این کتاب‌ها روندی معکوس و افزایشی را شاهد است. تجربه‌ی مؤلفان ایرانی نیز نشان می‌دهد که هیچ تأثیری بر شمارگان کتاب‌های چاپی نداشته است. با توجه به شمار نسل جوان جامعه‌ی ما و لزوم تعمیق آموزش به موازات گسترش آن، فناوری کتابخانه‌های دیجیتالی فرصتی است که کارگزاران آموزشی ما باید به آن توجهی بیش از پیش داشته باشند.



نسل شنیداری نسل جدید

● مصطفی رحماندوست
شاعر و نویسنده‌ی کودک و نوجوان

در سال ۱۳۷۴ بود که اولین سایت کودکانه را با نشانی www.doostane.com راه‌اندازی کردم. سایت کودکانه که پیش‌تر در ایران سابقه نداشت، حداقل برای دو گروه مفید بود: یکی برای کسانی که کتاب در دست‌رسشان نبود؛ به‌خصوص برای هم‌وطنان خارج از کشوری که زبان فارسی آن‌ها افت کرده بود، یا بهتر بگوییم، نسل دومی‌ها و سومی‌ها. دیگر برای آن‌ها که هم کلمات را می‌دیدند و هم متن برایشان خوانده می‌شد که جنبه‌ی زبان آموزی زیادی داشت. در آن سال‌ها من سایت «دوستانه» را راه‌اندازی کردم و حدود ۱۲۰ عنوان کتاب را به صورت دیجیتال در سایت قرار دادم. که بعدها همین کار را برای مجلات کردم. ولی نتوانستیم سایت دوستانه را حفظ کنیم و بسته شد. زیرا این سایت خصوصی بود و در آن دوره برای نگهداری از آن باید ماهی سه میلیون تومان اجاره‌ی پهنای باند به مخابرات می‌پرداختیم. و این مبلغ برای ما سنگین بود. در حالی که الان برای نگهداری هر سایت، در سال شاید حدود ۱۰۰ هزار تومان هزینه‌ی مخابرات کافی است.

در سه چهار سال اخیر کتاب الکترونیکی جای خودش را بین مخاطبین باز کرده و هیچ آسیبی به شمارگان کتاب‌های کاغذی و ناشران وارد نکرده است. لاقلاً می‌توانم بگویم تغییری در نوبت چاپ و شمارگان آن عناوین از کتاب‌های من که به صورت دیجیتال و صوتی قابل دسترسی است، دیده نشده است. در سال ۱۹۹۴ در کنگره‌ای در لندن با عنوان «ماده‌ی گران»، بحث درباره‌ی این بود که کاغذ کلاسی بسیار گرانی است که از نظر زیست محیطی مصرف آن

کتاب گویا، کتابی است که به جای دیده شدن تغییر جهت می‌دهد و با حس شنوایی مطالعه می‌شود. در ابتدا کتاب‌های گویا را در آمریکا برای نابینایان طراحی کردند. بعدها در کشورهای دیگر هم این اتفاق تکرار شد. شاید اولین کتابی که به صورت گویا درآمد، کتاب مقدس بود. روزی برحسب اتفاق به کتاب‌خانه‌ی نابینایان برخوردیم و برای استفاده از کتاب‌های گویا عضو آن شدم. در آن زمان کتاب گویا به صورت نوار کاست بود که هنگام رانندگی در ماشین گوش می‌کردم. بیشتر از کتاب‌هایی استفاده می‌کردم که مطالعه نکرده بودم. یا تعداد صفحات زیادی داشتند و حال و حوصله‌ی زیادی برای مطالعه‌ی نسخه‌ی چاپی آن‌ها لازم بود. با این روش خیلی از کتاب‌ها را مطالعه کردم. پس از تحقیق در این زمینه متوجه شدم که در کشورهای دیگر هم کتاب گویا سابقه‌ای طولانی دارد و به تولید آن به صورت یک تخصص نگاه می‌شود. کتاب گویا فرصتی است برای مطالعه، آن هم زمانی که نمی‌توانی ببینی یا نگاهت را متوجه متن کتاب کنی. پس می‌توانی بشنوی و کتاب‌ها را گوش کنی. در ایران هم مثل سایر کشورها با نابینایان شروع شد؛ مثل کتاب‌خانه‌ی عصای سفید، کتاب‌خانه‌ی رودکی و کتاب‌خانه‌ی حسینه‌ی ارشاد. نابینایان می‌توانستند با عضو شدن از کتاب‌های گویای آن‌ها بهره‌مند شوند. بعدها نرم‌افزاری پدید آمد که متن کتاب را به صدا تبدیل می‌کرد و البته این کار برای زبان انگلیسی امکان‌پذیر شد. الان در کتاب‌خانه‌ی ملی نابینایان ایران این نرم‌افزار برای کتاب‌های خارجی موجود است. در نهایت «کتاب الکترونیکی» را مدیون نابینایان هستیم.

بسیاری از افراد دوست دارند کتاب را به صورت سنتی مطالعه کنند و این حسی نیست که پای رایانه برایشان ایجاد شود

مقرون به صرفه نیست و خوب است که کتابها و روزنامهها را به سمت دیجیتالی شدن سوق داد. حتی طرحی هم ارائه شد که کیوسکهای مطبوعاتی مجهز شوند به گونه‌ای که برای هر بار مطالعه‌ی کتاب یا روزنامه شارژ شود تا از لحاظ اقتصادی، ناشر و نویسنده ضرر نکنند. این کار در بعضی از کشورهای اروپایی انجام گرفت و با یک پژوهش ثابت شد که با دیجیتالی شدن کتابها و روزنامهها، فقط سطح مطالعه بالا رفته است. چون یک گروه کتابهای چاپ کاغذی را می‌خوانند و گروه دوم که اضافه شده بود، دیجیتالی و صوتی را. یعنی باعث بالا رفتن سطح مطالعه شده بود و تأثیری در تیراژ کتاب و روزنامه‌ی کاغذی نگذاشته بود. یک مؤسسه‌ی آمریکایی حدود ۴۸۰ عنوان کتاب کودک و نوجوان فارسی را در سایت خودش به زبانهای گوناگون گذاشته است. چهل و دو عنوان از آنها کتابهای تألیف من بود که اعتراضی نکردم، چون تأثیری در شمارگان کاغذی کتابهای من نگذاشته بود.

به دو دلیل فکر می‌کنم که کتابهای دیجیتالی تأثیری در شمارگان کتابهای کاغذی ندارند: یکی به دلیل این که بسیاری از افراد دوست دارند کتاب را به صورت سنتی مطالعه کنند و این حسی نیست که پای رایانه برایشان ایجاد شود. دوم، کسانی که پای رایانه می‌نشینند، معمولاً بیشتر نت و یادداشت برمی‌دارند و لذتی که از مطالعه‌ی کتاب چایی می‌برند در این مطالعه حاصل نمی‌شود. من کتاب گویا را هم نوعی کتاب الکترونیکی می‌دانم. کتابهای الکترونیکی در جهت گسترش مطالعه خیلی موثر هستند. مثلاً در کتابهای الکترونیکی کودکان ضمن مطالعه، بازی با شخصیت‌های داستان و در فضای مجازی به صورت، با رنگ‌آمیزی و ... بازی می‌کنند و این اتفاق به دفعات می‌تواند اتفاق بیفتد. چنین امکانی در کتابهای کاغذی وجود ندارد.

کتابهای دیجیتالی و صوتی از طریق اینترنت و در کتاب فروشی‌ها به صورت سی‌دی در دست‌رس مخاطبان قرار می‌گیرد، که در هر دو صورت دارای ویژگی‌های مطرح شده هستند و باعث گسترش مطالعه‌ی کودکان می‌شوند؛ بخصوص اگر که با بازی توأم باشد.

اولین کتابخانه الکترونیکی برای بچه‌ها در ایران، در «کتابخانه‌ی ملی» بخش کودکان و نوجوانان راه‌اندازی شد. در حال حاضر طبق برنامه، روزی ۱۵ کتاب وارد سایت می‌شود که از این ۱۵ کتاب، یک تا شش کتاب، از میان کتابهای قدیمی انتخاب می‌شوند و باقی از کتابهای چاپ شده‌ی به روز هستند.

لذت مطالعه به تمامی، با کتابهای الکترونیک و صوتی حاصل نمی‌شود. اما نمی‌دانم نسل امروز که کتاب را با بازی رایانه‌ای به هم

می‌آمیزد، و خودش شخصیت‌های کتاب را آن گونه که می‌پسندد، تعریف می‌کند و بعضی جاها خودش را جای شخصیت کتاب می‌گذارد، در آینده به چه لذتی در برخورد با کتابهای کاغذی خواهد رسید؟ آن چه مشخص است لذتی که امروزه کتاب الکترونیکی به بچه‌ها، مخصوصاً خردسالان و دبستانی‌ها می‌دهد، بیشتر از کتاب کاغذی است. من در دانشگاه در این باره تحقیق و پژوهش میدانی نکردم، اما معتقد هستم برای بچه‌ها لذتی فراتر از مطالعه‌ی کتاب دارد. برایم مهم نیست که بچه‌ها از طریق کتاب الکترونیکی یاد می‌گیرند یا نه، چون معتقد هستم که یادگیری خیلی زودتر در خانواده و دیرتر، در مدرسه اتفاق می‌افتد. برای من مهم لذت بردن بچه‌ها از کتاب است. «لذت بردن» مسئله‌ی اصلی من است. دلم می‌خواهد که بچه‌ها لذت مطالعه را حس کنند. این گوهر نایابی است که در دست بچه‌هاست. لذت بردن از مطالعه باید در کودکی اتفاق بیفتد.

نسل جدید نسل شنیداری است. اگر از این نسل بپرستند مثلاً کتاب را حضوری بخوانی یا گوش کنی، گوش دادن را ترجیح می‌دهد.

معمولاً همه برای شنیدن آمادگی بیشتر دارند. در دنیا بحثی است با عنوان «حافظه‌ی دیجیتالی ملی» که در ایران به آن «حافظه‌ی رُقومی ملی» می‌گویند و مخفف آن «حَرَم» می‌شود. مسئولان حَرَم در کتابخانه‌ی ملی موظف هستند، از قدیمی‌ترین کتابها که چاپ سنگی بوده است، اسکن کنند. و در حافظه‌ی رُقومی ملی جای دهند. در آینده اعلام خواهد شد که می‌توانید تمام کتابهای چاپ شده را در کتابخانه‌ی رُقومی ملی به صورت رایگان رویت کنید.

مزیت دیگر کتابخانه‌ی دیجیتالی در این است که می‌توان کتابهایی را که به هر دلیلی فرصت چاپ پیدا نکرده‌اند در آنها یافت و مطالعه کرد. یا قسمت‌هایی از کتاب را می‌توانید به طور رایگان مطالعه کنید و برای مطالعه‌ی بقیه‌ی کتاب، باید پول بپردازید تا قابل رویت شود. مشکل دیگری که کتابخانه‌ی دیجیتالی حل کرده، این است که در کتابخانه‌ی سنتی، گاه کتابهای قطور کودکان در کنار کتابهای کم حجم قرار می‌گرفت و چون امکان جداسازی کتابها نبود کتابهای کم حجم به راحتی دیده نمی‌شدند. ولی با تعریف کتابخانه‌ی ملی کودکان و نوجوانان دیجیتالی، امکان دست‌یابی به انواع کتاب آسان می‌شود. این کار مطالعه را توسعه می‌دهد.

پی‌نوشت

1. ebook
2. Expensive Material

■ اشعار و داستان‌های ترجمه و تألیف
 ■ نکو داشت سفرها، مقاله و مصاحبه
 ■ دوستانه بزرگان و کودکان
 ■ دل‌نوشته‌ها و تجربه‌ها

آشنایی با دیگر سایت‌های کودک و نوجوان

به زودی قصه‌های خوب برای بچه‌های خوب را بشنوید!

www.rahmandoost.org

معرفی سایت: زینب گلزاری



ترانه زیبای شب
یلدای هم نسلی های
من و البته شاید
فرزندان شما!
«صد دانه یاقوت»

مجموعه اشعار
و داستان های
زیبا و خواندنی
مصطفی
رحماندوست

«قصه مصطفی» به روایت
تصویر... «خود نوشت» را
از دست ندهید

نشانی www.rahmandoost.org را که در نوار مرورگر خود تایپ می کنید، چند لحظه ای بیشتر طول نمی کشد که وب سایت او روی میز کارتان ظاهر شود...

یک لحظه به خودتان می آید و می بینید، مدتی است که محو تصویر کوچکی شده اید که سمت چپ صفحه ای نمایش قرار دارد. و بعد سیاهی چشمتان که به سمت پایین حرکت می کند، لبخند روی لبهایتان را از دور هم می توان تشخیص داد...

دانه های انار، ظرف بلور شب های یلدا و ترانه صد دانه یاقوت...

احساس می کنید با این وب سایت آشنایی و قرابتی دیرینه دارید. او شما را به دنیای کودکی های دور و نزدیک می برد و ساعتها وب گردی در دنیای شیرین و ساده ی کودکانها...

راستی، «خود نوشت» را از دست ندهید. حکایت قصه ی مصطفی به روایت تصویر دیدنی است.

هدیه های دوستانه ی بزرگترها، دست نوشته هایی از بزرگان شعر و ادب و دوست داران آنهاست. هدیه ی دوستانه ی کودکان، البته شیرین تر است. داستان ها و شعرهای ترجمه و تألیف، سفرها، مقاله و پیام، دل نوشته ها و تجربه ها... همه دوست داشتنی هستند.

آثار چاپ شده ی رحماندوست را می توانید در پایین وب سایت او، پشت پیشخوان بیابید. حرف و سخنی هم داشتید می توانید در قسمت «حرف های تو» با او در میان بگذارید. شاید شما هم خواستید مثل سید مهدی شجاعی به رحماندوست بگویید: «خیلی

ممنون که به دنیا اومدی!»

سوزن در انبار گاه

● دکتر یزدان منصوریان
عضو هیئت علمی گروه کتاب‌داری و اطلاع‌رسانی دانشگاه تربیت معلم تهران

چکیده

مقاله‌ی حاضر با استفاده از استعاره‌ی «سوزن در انبار گاه»، انواع روش‌های جست‌وجو و بازیابی اطلاعات را در محیط وب، به ۱۲ نوع تقسیم می‌کند. ساده‌ترین نوع جست‌وجو زمانی اتفاق می‌افتد که در صدد بازیابی فقره‌ی اطلاعاتی مشخصی، مثل کتاب یا مقاله‌ای معین از یک نویسنده، باشیم و آن فقره اطلاعاتی در یک پایگاه یا منبع مشخص، مثل فهرست یک کتابخانه یا پایگاه مقالات، موجود باشد. در دشوارترین شکل، نه فقره‌ی اطلاعاتی مورد نیاز دقیقاً مشخص است و نه پایگاهی که آن را در اختیار دارد. کاربر فقط با پرسشی در یک حوزه‌ی موضوعی مواجه است و دقیقاً نمی‌داند چه اطلاعاتی در این زمینه وجود دارد در این صورت، جست‌وجو فرایندی دو یا چند مرحله‌ای خواهد بود، چرا که کاربر مجبور است، ابتدا مناسب‌ترین منابع را که ممکن است حاوی این اطلاعات باشند، شناسایی کند و سپس به جست‌وجو در آن‌ها بپردازد. در پایان، مقاله معیارهای ارزیابی منابع اطلاعاتی برگرفته از محیط وب رامعرفی می‌کند.

کلید واژه‌ها: منابع اطلاعاتی، جست‌وجو، بازیابی اطلاعات، محیط وب، ذخیره اطلاعات، اقدام پژوهی.

سرآغاز

هر چه بر حجم و تنوع منابع اطلاعاتی موجود افزوده می‌شود، جست‌وجو و بازیابی این منابع دشوارتر خواهد بود. این دشواری ناشی از ناهماهنگی میان پیشرفت «ابزارهای بازیابی» با «ابزارهای ذخیره‌ی» اطلاعات است. این در حالی است که «تولید اطلاعات» از نظر کمی بسیار ساده‌تر، و توان رایانه‌ها در ذخیره‌ی اطلاعات به مراتب بیشتر از گذشته است، اما ابزارهای سازمان‌دهی و بازیابی به همان نسبت پیشرفت نکرده‌اند. به همین دلیل، معمولاً جست‌وجوی اطلاعات با مشکلات متعددی همراه است. گاه به نظر می‌رسد، دسترسی به اطلاعات مورد نیاز در این مجموعه‌ی عظیم، هم‌چون یافتن سوزنی در انبار گاه است. در سال ۱۹۹۹، محقق‌ی به نام **ماتیو کل**^۱، در مقاله‌ای تحت عنوان «رویکردها و مسائل اصلی در صنعت اطلاعات»^۲ از همین استعاره استفاده کرده و انواع جست‌وجوها را در محیط وب به ۱۲ نوع تقسیم کرده است که در این مقاله تشریح می‌شوند.

اما مسائل مربوط به جست‌وجوی اطلاعات در محیط وب با بازیابی منابع اطلاعاتی به پایان نمی‌رسد. چرا که پس از بازیابی اطلاعات نوبت به ارزیابی آن‌ها می‌رسد. ارزیابی خود مقوله‌ی مستقل و مفصلی است. در واقع، مشکل دیگر دنیای دیجیتال، ارزیابی منابع اطلاعاتی و انتخاب مناسب‌ترین گزینه‌ها در میان یافته‌هاست. از آن‌جا که تولید و انتشار منابع به صورت الکترونیکی بسیار آسان و فراگیر است، هر لحظه سیلی از اطلاعات به اقیانوس موجود اضافه می‌شود که تنها بخشی از آن‌ها مفید است، و بخشی دیگر نه تنها مفید نیست که گاه به دلیل ارائه‌ی اطلاعات نادرست، از آن به عنوان «آلودگی اطلاعاتی» یاد می‌شود. در مجموع، دشواری جست‌وجو و بازیابی اطلاعات در دنیای دیجیتال، و در مهم‌ترین عرصه‌ی آن، یعنی «شبکه‌ی جهان گستر وب» بر بستر اینترنت، ناشی از تاثیر هم‌زمان چهار روند زیر است:

- توانایی ابزارهای ذخیره‌ی اطلاعات به نحو فزاینده‌ای رو به افزایش است.
- تحول در نظام‌های جست‌وجو و بازیابی اطلاعات، مانند موتورهای کاوش، کندتر از سرعت تکامل ابزارهای ذخیره است.
- تولید و نشر اطلاعات جدید، هر روز با سرعت و سهولت بیشتری انجام می‌شود.



■ بسیاری از کاربران شبکه‌های رایانه‌ای از مهارت‌های لازم برای ارزیابی اطلاعات به دست آمده برخوردار نیستند. مقاله‌ی حاضر تلاش می‌کند، ابتدا انواع جست‌وجوهای اینترنتی را تبیین کند و سپس به معرفی معیارهای لازم برای ارزیابی منابع اطلاعات بپردازد.

انواع جست‌وجو و بازیابی اطلاعات در محیط وب

ماتیو کل براساس استعاره‌ی «سوزن و انبارگاه»، در مجموع ۱۲ شکل اصلی جست‌وجو و بازیابی اطلاعات را در محیط وب به شرح زیر تبیین می‌کند:

۱. جست‌وجوی سوزنی مشخص در انبار گاه مشخص^۲

ساده‌ترین شکل بازیابی اطلاعات، یافتن فقره‌ی اطلاعاتی مشخصی در یک پایگاه خاص است که در واقع، هم‌چون یافتن سوزنی معین در انبار گاهی مشخص است. برای مثال، وقتی در جست‌وجوی مقاله یا کتابی هستیم که نام نویسنده یا عنوان آن را از قبل می‌دانیم و پایگاه‌هایی را که چنین اطلاعاتی ارائه می‌دهند نیز می‌شناسیم مثلاً در فهرست الکترونیکی کتاب‌خانه‌ای در جست‌وجوی کتابی هستیم که اطلاعات کتاب‌شناختی آن هم‌چون عنوان، نویسنده و ناشر در اختیار ماست. معمولاً چنین جست‌وجویی در یک مرحله انجام می‌شود و پس از یافتن فقره‌ی اطلاعاتی مورد نظر فرایند جست‌وجو پایان می‌یابد.

۲. جست‌وجوی سوزنی مشخص در انبار گاه نامشخص^۴

دومین شکل بازیابی اطلاعات زمانی رخ می‌دهد که در جست‌وجوی سوزن مشخصی در انبار گاه نامشخص باشیم. مثلاً می‌خواهیم کتاب یا مقاله‌ی مشخصی را پیدا کنیم، اما نمی‌دانیم که در چه سایت یا پایگاهی اطلاعاتی موجود است. در این صورت، ابتدا باید از طریق موتورهای جست‌وجو یا فهرست‌های راهنما، مناسب‌ترین پایگاه یا سایت را شناسایی کنیم و سپس به جست‌وجوی اطلاعات مورد نیاز خود بپردازیم. مثلاً اگر مقاله‌ای فارسی بخواهیم، سایتی به نشانی اینترنتی (www.sid.ir) می‌تواند منبع مناسبی باشد. البته نباید فراموش کرد که هیچ پایگاه اطلاعاتی از جامعیت مطلق برخوردار نیست. مثلاً اگر سایت فوق به ارائه‌ی مقالات فارسی می‌پردازد، به این معنا نیست که تمام مقالات فارسی در تمام مجله‌های ایران از ابتدا تا امروز، در آن به صورت تمام متن وجود دارد. هر یک از پایگاه‌ها در زمینه‌ای که فعالیت می‌کنند، فقط گزیده‌ای از اطلاعات موجود را در اختیار دارند. بنابراین، نباید جست‌وجوی خود را فقط به یک پایگاه یا موتور جست‌وجو محدود سازیم. توصیه می‌شود همواره مجموعه‌ای از منابع را مرور کنیم.

۳. جست‌وجوی سوزنی نامشخص در انبار گاه نامشخص^۱

سومین شکل بازیابی اطلاعات زمانی اتفاق می‌افتد که نه سوزن مورد نیاز شناخته شده است و نه پایگاهی که احتمالاً آن را در اختیار دارد. مثلاً اگر در جست‌وجوی اطلاعاتی در زمینه‌ی «آموزش الکترونیک» باشیم و منبع مشخصی مد نظر نباشد، جست‌وجوی ما در این طبقه قرار می‌گیرد. از سوی دیگر مشخص نیست، چه سایت‌ها یا پایگاه‌هایی چنین اطلاعاتی را ارائه می‌دهند و این مسئله بر دشواری جست‌وجوی ما افزایش می‌دهد. در چنین مواردی لازم است ابتدا به شناسایی «منابع هسته» و منابع اصلی در زمینه‌ی موضوعی مورد نظر پردازیم. منظور از منابع هسته منابعی است که در یک حوزه‌ی موضوعی بیشترین استنادها به آن‌ها شده است و از شهرت زیادی برخوردارند. مثلاً در حوزه‌ی آموزش و پرورش، «پایگاه اریک»^۲ با نشانی اینترنتی <http://www.eric.ed.gov> از شهرتی جهانی برخوردار است و می‌توان با مراجعه به آن، اطلاعات مفید و موثقی تقریباً در همه‌ی زمینه‌های مربوط به آموزش و پرورش به دست آورد. پس از یافتن مناسب‌ترین منابع و پایگاه‌ها باید جست‌وجوی خود را در هر یک از آن‌ها انجام دهیم تا زمانی که احساس کنیم، منابع به دست آمده کافی است.

۴. جست‌وجوی یک سوزن در انبار گاه^۳

چهارمین شکل بازیابی اطلاعات زمانی است که به یک فقره‌ی اطلاعاتی برای پاسخ گویی به پرسشی باز یا بسته نیاز داریم و فقط یک پاسخ درست کافی خواهد بود. مثلاً می‌خواهیم یک نمونه از مقالات منتشر شده در زمینه‌ی «اقدام پژوهی» در مطالعات مدیریت آموزشی را به عنوان نمونه مشاهده کنیم تا از چگونگی اجرای این روش در عمل اطلاع یابیم. در این صورت کافی است در یک پایگاه موضوعی، جست‌وجویی ساده با کلید واژه‌ی «اقدام پژوهی» انجام گیرد.

۵. جست‌وجوی تیزترین سوزن در انبار گاه^۴

گاه فرایند جست‌وجوی کمی پیچیده‌تر از نوع چهارم است که ماتیو کل، آن را در دسته‌بندی خود، جست‌وجوی تیزترین سوزن در انبار گاه می‌داند. در این‌جا منظور از تیزتر بودن، در واقع اشاره به یک ویژگی خاص است که شما در مورد اطلاعات مورد نیاز خود به آن توجه ویژه دارید. مثلاً در جست‌وجوی مقاله جدیدی در حوزه‌ی ارزیابی کیفی پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان هستید. در مثالی دیگر، ممکن است در جست‌وجوی پژوهش‌هایی باشید که با روش مشخصی انجام شده‌اند. در هر صورت، نوعی معیار تعیین‌کننده دارید که جست‌وجوی شما را به نحوی محدود می‌کند. در چنین شرایطی باید از «جست‌وجوی پیشرفته»^۵ استفاده کنید. جست‌وجوی پیشرفته امکانی است که در تمام پایگاه‌ها و ابزارهای جست‌وجوی پیش‌بینی شده است و شما می‌توانید براساس معیارهای مشخصی، جست‌وجوی خود را محدود کنید. این محدودیت می‌تواند زمانی، موضوعی، جغرافیایی، یا به شکل‌های دیگر باشد. برای نمونه، اگر به قسمت جست‌وجوی پیشرفته‌ی معرفی گوگل http://www.google.com.my/advanced_search?hl=en مراجعه کنید، امکانات متفاوتی را که در آن پیش‌بینی شده است، خواهید دید.

۶. جست‌وجوی بیشترین سوزن‌های تیز در انبار گاه^۶

در ششمین شکل بازیابی، کاربر در جست‌وجوی مجموعه‌ای از اطلاعات در زمینه‌ی موضوعی مشخص، است. مثلاً پژوهشگری برای انجام یک طرح پژوهشی یا پایان‌نامه‌ی تحصیلات تکمیلی، به مرور و بررسی پیشینه‌ی پژوهش در حوزه‌ی مشخصی می‌پردازد. در این صورت کاربر باید وقت و انرژی فراوانی برای بررسی دقیق این سابقه صرف کند. چرا که در چنین شرایطی نمی‌توان به یک یا چند منبع محدود اکتفا کرد و بررسی طیف گسترده‌ای از منابع ضرورت دارد. شکل‌های دیگر بازیابی اطلاعات در شماره‌ی آینده منتشر می‌شود.

پی‌نوشت

1. Matthew koll
2. Major Trends and Issues in the Information industry
3. A known needle in a known haystack
4. A known needle in an unknown haystack
5. An unknown needle in an unknown haystack
6. Any needle in a haystack
7. The sharpest needle in a haystack
8. Advanced Search
9. Most of the sharpest needles in a haystack



از ولگردی در راسته‌ی کتاب‌فروشی‌ها تا وب‌گردی در سایت‌های کتاب و کتاب‌خوانی

● مرتضی مجدفر

وقتی از برویچه‌های مجله‌ی «رشد مدرسه فردا» شنیدم که موضوع محوری شماره‌ی ۲ خودشان را که هم‌زمان با آبان ماه مصادف با هفته‌ی کتاب و روز کتاب و کتاب‌خوانی (۲۴ آبان) منتشر می‌شود، به کتاب‌خوانی اختصاص داده‌اند، هم به راحتی پذیرفتم و هم اندکی به فکر فرو رفتم. پذیرش از این نظر که در سال‌های قبل نیز، مجله به انجای گوناگون موضوع کتاب‌خوانی را مورد توجه قرار داده بود و بارزترین آن‌ها از دید من، سرمقاله‌ی دکتر عطاران در شماره‌ی دوم دوره‌ی ششم (آبان ۱۳۸۸) بود که به معرفی یک ابزار الکترونیکی جدید به نام کتاب‌خوان اختصاص داشت. فکر و نگرانی من از آن بابت بود که افرادی مثل من و هم‌نسلانم، به رغم آن که با نزدیک شدن به ۵۰ سالگی و در کوران قرار گرفتن با انواع و اقسام پدیده‌های فناورانه، به نوعی امروزی و انسان سده‌ی جدید محسوب می‌شویم، باز یک جورهایی قدیمی‌تر هستیم.

تردیدی نیست، صفا و صمیمیتی که ما با کتاب کاغذی داشته‌ایم، بر و بچه‌های جوان امروزی کمتر داشته‌اند. شاید به خاطر همین حس نوستالژیک باشد که هم نسلان ما برای خودمان شعرهایی درست کرده‌ایم و دائم آن‌ها را تکرار می‌کنیم؛ از جمله این که: «هیچ چیزی جای کتاب کاغذی و خواندن کتاب در حالت درازکش و لمیده را نمی‌گیرد...» و یا: «بوی کاغذ کتاب کجا و کتاب خواندن پشت رایانه کجا؟»

این در حالی است که جوان امروزی، از جمله معلم جوانی که جای‌گزین ما شده است، این گونه فکر نمی‌کند

و معتقد است وقتی می‌توانم به راحتی یا با همان زبان مخفی رایج در میان خودمان، در ایکی ثانیه، هر کتابی را از اینترنت گیر بیاورم و با لطایف الحیلی آن را برای خودم دانلود کنم، دیگر چه مرضی است به گشت و گذار یا به قول برخی از افراطیون، ولگردی در راسته‌ی کتاب‌فروشی‌ها و ناشران. البته من خود از این قبیل لذت‌های شیرین، به‌ویژه وقتی در به در دنبال منبعی نایاب می‌گشتم، برخوردار شده‌ام، ولی چه کنم که گشت و گذار درمقابل کتاب‌فروشی‌ها، برایم لذت بخش است. شاید هم این همان





حس نوستالژیکی باشد که از آن سخن گفتم.

اگر مایل هستید، با من سوار ماشین زمان شوید تا به دور از رسم و رسوم مجله‌ی رشد مدرسه‌ی فردا، اندکی سنتی شویم و از گذشته‌ها سخن بگوییم. به ویژه این که در این سفر، به «تبریز» می‌رویم؛ یعنی شهری که موطن من است و طبیعی است که همیشه در من حس مطبوعی ایجاد می‌کند.

زمانی که نوجوانی سیزده چهارده ساله بودم و به تازگی و بیشتر بر اساس توصیه‌های پدر و برادرم، کتاب خواندن را به طور جدی شروع کرده بودم. تبریز چند راسته‌ی پررونق و تخصصی کتاب‌فروشی داشت و بسته به این که، که بودی و خواننده‌ی چه کتابی بودی. به راحتی می‌توانستی کتاب‌های مورد علاقه‌ات را پیدا کنی. در راسته‌ی کتاب‌فروشی‌های بازار «شیشه‌گرخانه»، کتاب‌های ادبی، متون کهن، متون دینی و آثار کلاسیک ادبیات ترکی را عرضه می‌کردند. کمی آن طرف‌تر، بورس کتاب‌فروشی‌های خیابان «تربیت» را داشتیم که تقریباً مجموعه‌ای از هر آن چه را که می‌خواستی می‌توانستی در کتاب‌فروشی‌های آن‌جا بیابی. در این راسته، دفتر چند نشریه‌ی قدیمی تبریز و چاپخانه‌های متعدد هم وجود داشت که به راحتی حال و هوای خیابان تربیت را با اسمش همراه ساخته بود.

کمی آن سوتر، تک و توک کتاب‌فروشی‌های وسط خیابان فردوسی و کتاب‌فروشی «حقیقت» را که در ابتدای این خیابان رو به روی ارک تبریز واقع شده بود، می‌دیدیم. از این جا بود که کتاب‌فروشی‌های معتبر و فرهنگی تبریز یعنی **نوبل، شمس، ارک** و... ردیف به ردیف، کنار هم و در این سو و آن سوی خیابان اصلی شهر (**امام خمینی** فعلی) و بین فردوسی و **میدان ساعت** واقع شده بودند. بر مغازه‌های این مسیر از این نظر تاکید کردم که آن‌ها فقط کتاب‌فروش نبودند، بلکه ناشرانی بودند که کتاب‌فروشی هم می‌کردند.

در واقع محدوده‌ی بازار شیشه‌گرخانه، تربیت و فردوسی تا حدفاصل فردوسی و میدان ساعت، قلب تپنده‌ی کتاب در تبریز بود و البته این، به غیر از تک کتاب‌فروشی‌های معتبر پراکنده در سطح شهر تبریز بود که هنوز نام بسیاری از آن‌ها چون کتاب‌فروشی **شهریار** در بازارچه‌ی شتران، به مدیریت انسان فرهیخته و شاعر دوران نوجوانی ما **حسینقلی فیاضی**، که اکنون هنوز در سن هشتاد و چند سالگی، خود کتاب‌فروشی‌اش را اداره می‌کند، در یادها مانده است. شاید بسیاری از اهل ادب به یاد داشته باشند که اولین آثار برخی از شعرای بزرگ آذربایجان مانند مفتون امینی، به‌ویژه شعر ماندگار او «این ارک بلند تبریز است...» در کتاب «نغمه‌های تبریز»، به چاپ رسید.

در این میان، از نقش کتاب‌فروشی‌های بازار **صفی**، به‌ویژه کتاب‌فروشی‌های کنار **مسجد جامع تبریز** نباید غافل شد که در ارائه و فروش کتاب‌های مذهبی و نیز در تربیت نسل انقلابی و جوان آن سال‌ها نقش بی‌بدیلی داشتند. انقلاب که شد، راسته‌های جدیدی به کتاب‌فروشی‌های تبریز اضافه شد. بازارچه‌ی کتاب - با شبیه‌سازی از هم نامش در تهران - در خیابان جمهوری اسلامی تبریز در پاساژ بزرگی آغاز به کار کرد و در زمان کوتاهی به بورسی از کتاب‌فروشی‌ها تبدیل شد. چند سال بعد در خیابان امین و نیز انتهای شریعتی شمالی، نرسیده به چهارراه شریعتی و نیز بعد ها در خیابان **خاقانی (دانش‌سرا)**، کتاب‌فروشی‌ها و ناشران خوبی شروع به کار کردند که از جمله‌ی آن‌ها می‌توان به **یاران** و **تلاش** اشاره کرد که کتاب‌های متنوعی را در سال‌های گوناگون چاپ کردند. در این میان، ناشرانی نیز پا گرفتند که ضمن نشر، به کتاب‌فروشی هم اشتغال داشتند، مانند نشر **اختر** که اکنون به ناشر تخصصی بزرگی در حوزه‌ی کتاب‌های ترکی و نیز آثار





مرتبط با فرهنگ آذربایجان تبدیل شده است.

و اما اکنون. راسته‌ی کتاب‌فروشی‌های بازار شیشه‌گرخانه، در دل بازار نوساز و بزرگ شمس تبریزی، حل شده و تنها کتاب‌فروشی **فردوسی**، به مثابه یکی از قدیمی‌ترین کتاب‌فروشی‌های تبریز، در ضلع جنوبی بازار و در محلی نه چندان مناسب در حال گذراندن امور است. خیل عظیم کتاب‌فروشی‌های خیابان تربیت، به بورس لباس عروس تبدیل شده و از کتاب‌فروشی‌های خیابان فردوسی نیز، فقط **حقیقت** مانده است. نوبل، شمس، ارک و البته اختر و چند ناشر - کتاب‌فروش دیگر سرچایشان مانده‌اند و اگر عصر هنگام به آن‌ها سر بزنی، به راحتی می‌توانی چهره‌های معروف نویسندگان و شاعران تبریزی را در این کتاب‌فروشی‌ها ببینی؛ گرچه دیگر آن رونق گذشته را ندارند. در جاهای دیگر هم خبری نیست. عمده‌ی مغازه‌های بازارچه‌ی کتاب، تغییر کاربری داده‌اند و ناشران پرتلاشی مانند فردوسی که حتی روزی یک کتاب چاپ می‌کردند، تنها روزگار می‌گذرانند و بس! در این میان البته اتفاق جدیدی رخ داده و آن ایجاد راسته‌ی پررونقی از کتاب‌فروشی‌ها در محدوده‌ی آب‌رسانی و ضلع غربی دانشگاه تبریز است. این کتاب‌فروشی‌ها، اگر چه دائماً در حال داد و ستدند و یک آن بدون مشتری نیستند، ولی در تعاریف فرهنگی، مشتریان آن‌ها در زمره‌ی کتاب‌خوانان حرفه‌ای قرار نمی‌گیرند. راسته‌ی آب‌رسانی، راسته‌ی کتاب‌های درسی و کمک درسی است و صد البته کتاب‌های فرهنگی انگشت شماری نیز در ویتترین این کتاب‌فروشی‌ها به چشم می‌خورد تا خریدارش که باشد و خواننده‌اش کدام.

تبریز، شهر بسیاری از اولین‌ها در زمینه‌های فرهنگی است. اولین مدرسه‌ی مدرن، اولین چاپ‌خانه، اولین تلگراف‌خانه و... در این شهر به‌وجود آمده‌اند. درست است که اکنون شهر اولین‌ها در زمینه‌ی شرایط ظاهری کتاب‌خوانی، از وضعیت مناسب و مساعدی برخوردار نیست، ولی در حوزه‌ی کتاب‌خوانی در دنیای مجازی، اگر نگوئیم اول است. می‌توانیم بگوئیم جزو اولین‌هاست. تعجب نکنید حس نوستالژیک و گشت و گذار در کتاب‌فروشی‌های تبریز را تمام کرده‌ام و اکنون نزد شما در دنیای مدرن امروزی هستیم. می‌فهمم که تعدادی از این کتاب‌فروشی‌ها جای خودشان را به فروشگاه اینترنتی خرید کتاب از جمله <http://yurd.ir> (فروش اینترنتی کتاب‌های فارسی و ترکی) داده‌اند. هم‌چنین می‌فهمم که دیگر لازم نیست مانند استادان بزرگوار سال‌های دور و نزدیک تبریز، چون کتاب‌شناس و نسخه‌دان چیره دست، **سلطان القرایی**، ادیب توانا **مدرس تبریزی**، تاریخ‌شناس برجسته **صمد سرداری نیا**، و دانشگاهی - معلم توانا **رحیم رئیس‌نیا** و بسیاری کسان دیگر، شب و روز خودمان را در کتاب‌خانه‌ی ملی تبریز بگذرانیم و اکنون به راحتی می‌توانیم با گشت و گذار در www.tcl-as.ir (کتاب‌خانه‌ی مرکزی تبریز) عطش خود را فرو بنشانیم و یا با مراجعه به <http://www.itshams.ir/fa/Digitallibrary> (کتاب‌خانه‌ی الکترونیکی ملی ایران - تبریز) در دنیای کتاب‌های مورد علاقه‌ی خود غوطه‌ور شویم. البته اگر اهل جشنواره‌های کتاب‌های برتر و نیز کتاب‌های انتشار یافته‌ی جدید، به‌ویژه در زمینه‌ی ادبیات محلی باشیم، به طور قطع دو وبلاگ yashmaq.blogfa.com و kitabsech.blogfa.com نیز با آخرین اطلاعات خود، ما را شگفت زده خواهند کرد.

اگر می‌خواهیم هنوز خودمان را با بوی خوش کاغذ کتاب و لم‌دادن روی زمین و کنار پستی و خواندن کتاب به شیوه‌ی سال‌های دور مشغول کنیم، حرجی نیست. ولی باید بپذیریم که زمانه عوض شده است. حتی اگر در ته دلتان مثل من هوس سفر به راسته‌ی کتاب‌فروشی‌ها را داشتید، خیلی نگران نباشید و اصلاً سخت نگیرید. انجام دادن هر دو کار با هم، هنوز هم میسر است: هم از ولگردی لذت ببرید، هم از وب‌گردی.



چگونه کتابخانه‌ی شخصی دیجیتال داشته باشیم

● علی رضا منسوب بصیری

کلید واژه‌ها: کتاب‌های الکترونیکی، نرم افزار اندنوت، کتابخانه‌ی دیجیتال.

اشاره

شما «کتاب‌های الکترونیکی»^۱ خود را چگونه نگاه‌داری می‌کنید؟ همه را در یک پوشه روی رایانه‌ی خود ذخیره می‌کنید؟ یا کتاب‌های الکترونیکی مرتبط با هر کار را در پوشه‌ی مربوط همان کار ذخیره می‌کنید؟ شاید هم یک حافظه‌ی مغناطیسی به ذخیره‌ی کتاب‌های الکترونیکی‌تان اختصاص داده‌اید و تمام کتاب‌های الکترونیکی شما آن‌جا قرار دارند؟ این نوشتار با معرفی یک نرم‌افزار مدیریت منابع الکترونیکی به شما کمک می‌کند تا بتوانید یک کتابخانه‌ی شخصی دیجیتال روی رایانه‌ی خود بسازید و کتاب‌های خودتان را به هر ترتیبی که بخواهید مرتب کنید و در قفسه‌ها بچینید. این کار به شما قابلیت جست‌وجوی سریع می‌دهد.

معرفی نرم‌افزار اندنوت

یادم می‌آید ۱۰ سال پیش که وارد دانشگاه شدم، در کلاس روش تحقیق به ما آموزش می‌دادند که چگونه برای مرتب کردن و نظم بخشیدن به مطالعاتمان فیش نویسی کنیم و برگه‌های فیش تحقیق را پرکنیم. امروز نرم‌افزارهای متفاوتی برای تسهیل تحقیق و نظم بخشیدن به منابع تحقیق وارد بازار شده‌اند. یکی از معروف‌ترین این نرم‌افزارها که برای سیستم عامل مایکروسافت نوشته شده، نرم‌افزار «اندنوت» است. در واقع این نرم‌افزار به شما امکان می‌دهد که یک کتابخانه‌ی کوچک الکترونیکی از منابعی که برای تحقیق خود گردآوری کرده‌اید، به وجود بیاورید. با این که این نرم‌افزار برای ایجاد کتابخانه‌ی دیجیتال طراحی نشده است، اما با آن می‌توانید یک کتابخانه‌ی کوچک دیجیتالی از کتاب‌های الکترونیکی روی رایانه‌ی خود بسازید.

«اندنوت» نرم‌افزاری برای مدیریت اطلاعات کتاب‌شناختی و اسنادها در یک تحقیق علمی دارای قابلیت‌های زیر است:

- سازمان‌دهی اطلاعات کتاب‌شناختی؛
- افزودن اسنادها به متن مقاله یا دیگر نوشتارها؛
- ایجاد فهرست منابع در مقاله یا دیگر نوشتارها؛
- قالب‌بندی مقاله یا نوشتار دیگر براساس شیوه‌نامه‌های استنادی رایج؛
- انتقال نتایج جست‌وجو از پایگاه‌های اطلاعاتی به مجموعه‌ی منابع.

اولین و اصلی‌ترین ویژگی اندنوت، همان‌طور که گفته شد، سازمان‌دهی اطلاعات کتاب‌شناختی است که در این نوشتار برای ایجاد یک کتابخانه‌ی دیجیتال مورد استفاده قرار خواهد گرفت. وارد کردن کتاب همراه اطلاعات آن در کتابخانه، افزودن تصویر جلد کتاب و مرتب کردن کتاب‌ها و جست‌وجو در میان کتاب‌ها، از قابلیت‌های این نرم‌افزار است که در ادامه توضیح داده خواهد شد.

برای آشنایی بیشتر با این نرم‌افزار و «بارگذاری»^۲ نسخه‌ی آزمایشی و رایگان آن، می‌توانید به سایت رسمی آن به نشانی www.endnote.com مراجعه کنید.

ایجاد کتابخانه توسط اندنوت

زمانی که نرم‌افزار را برای اولین بار باز می‌کنید، سه گزینه پیش روی شما قرار می‌گیرد:

■ ایجاد یک کتابخانه‌ی جدید؛

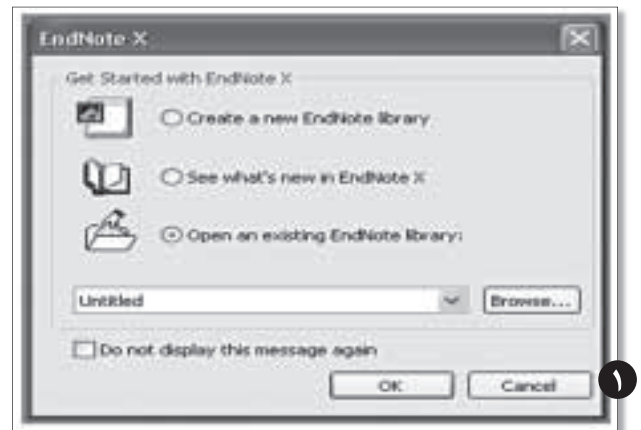
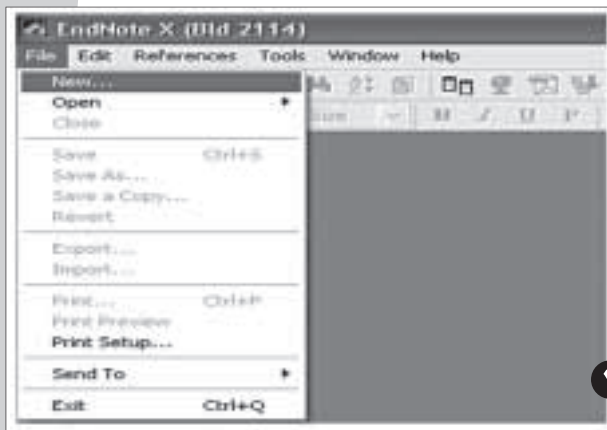
■ مشاهده‌ی راهنمای نرم‌افزار؛

■ باز کردن کتابخانه‌ی موجود.

با انتخاب گزینه‌ی اول، «ایجاد کتابخانه‌ی جدید» و ذخیره‌ی آن، می‌توانید کتابخانه را درست کنید. هم‌چنین، با حرکت از

منوی «file» و انتخاب گزینه‌ی «new» نیز می‌توانید کتابخانه‌ی خود را بسازید (تصویرهای ۱ و ۲).

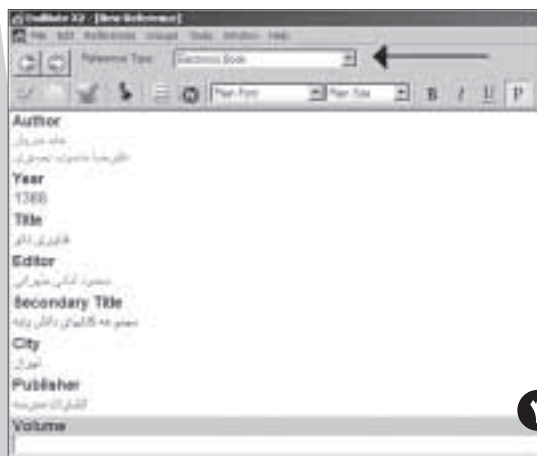
وارد کردن اطلاعات کتابها



ابتدا با باز کردن گزینه‌ی «References» و انتخاب گزینه‌ی «New Reference» (تصویر ۳) وارد صفحه‌ی مشخصات منبع می‌شوید. سپس باید نوع منبع را مشخص کنید که در تصویر ۴، با فلش سیاه رنگ نمایش داده شده است. از آن‌جا که این کتابخانه متشکل از کتاب‌های الکترونیکی است. گزینه‌ی Electronic book برای انتخاب مناسب است.

حالا نوبت وارد کردن اطلاعات موجود در فیلهای تعریف شده است. باید توجه داشته باشید که برای نام‌های خارجی به ترتیب اسم اول، میانی، و اسم آخر بدون ویرگول نوشته شود یا به صورت «اسم آخر، ویرگول، اسم اول و میانی» نوشته شود. اسم‌های فارسی را به همان ترتیب عادی بنویسید. فقط باید توجه داشته باشید که هر اسم روی یک خط باشد؛ یعنی اگر کتابی بیش از یک نویسنده دارد، نام نویسندگان با زدن کلید enter و رفتن به خط بعدی جدا شود (تصویرهای ۳ و ۴).

برای افزودن فایل کتاب که معمولاً به صورت فایل «PDF» یا «DOC» است، باید با اسکرول کردن صفحه‌ی ورود



مشخصات کتاب و آمدن به انتهای فهرست، به قسمت «File attachments» بروید و مطابق تصویرهای ۵ و ۶ پس از راست کلیک، فایل کتاب را انتخاب و به کتابخانه وارد کنید (تصویرهای ۵ و ۶).



پس از ورود اطلاعات کافی است صفحه‌ی «ورود اطلاعات منبع» را ببندید. توجه داشته باشید که در این قسمت مطابق تصویر ۷ عمل کنید و روی ضربدر دوم برای بستن قسمت «ورود اطلاعات منبع» کلیک کنید. (تصویر ۷)

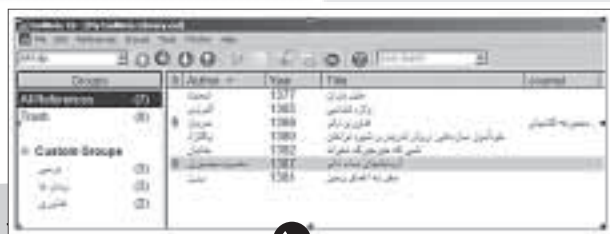
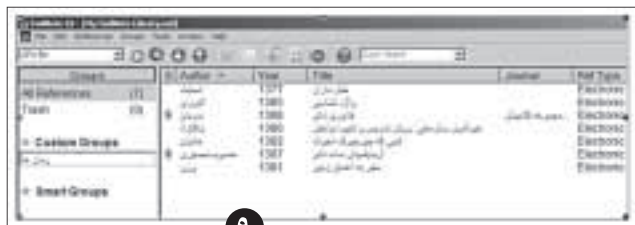


مرتب‌سازی کتاب‌ها در کتابخانه‌ی الکترونیکی

حتی یک کتابخانه‌ی خانگی کوچک هم از نظام خاص بهره می‌برد. کتاب‌های داستان یک جا هستند. کتاب‌های تاریخی قفسه مشخصی دارند و کتاب‌های درسی و دانشگاهی نیز در قفسه‌ی مربوط به خودشان هستند. البته برخی، کتاب‌های کتابخانه‌شان را براساس حروف الفبای نام نویسنده یا عنوان کتاب مرتب می‌کنند و برخی، براساس سال انتشار کتاب آن‌ها را در قفسه‌های کتابخانه می‌چینند جالب است بدانید که در برنامه‌ی اندنوت، شما می‌توانید ضمن آن‌که کتاب‌ها را در قفسه‌های مخصوص به خودشان قرار می‌دهید، یک کتاب را در دو، سه و حتی ۱۰ قفسه‌ی متفاوت قرار دهید؛ بدون آن‌که فضای حافظه شما پر از فایل‌های تکراری شود. هم‌چنین قادر خواهید بود، هم زمان با این‌که قفسه‌های متفاوت دارید، فهرست تمام کتاب‌هایی را که در یک سال منتشر شده‌اند، ببینید یا کتاب‌های خود را بر اساس نام نویسنده مرتب کنید.

الف) قفسه‌بندی کتاب‌ها در کتابخانه

برای این کار کافی است، مطابق تصویر ۸ در ستون گروه‌ها (Groups) روی گزینه‌ی تمام منابع (All References) کلیک راست و گزینه‌ی «Create Group» را انتخاب کنید. سپس در فضای خالی باز شده، شما می‌توانید نام قفسه‌ی خود را بنویسید در تصویر ۹ می‌بینید که چگونه عنوان رمان‌ها برای قفسه انتخاب می‌شود. در تصویر ۱۰ قفسه‌های «درسی»، «رمان‌ها» و «فناوری» را مشاهده می‌کنید (تصویرهای ۸، ۹ و ۱۰).





حالا نوبت چیدن کتابها در قفسههاست. در بخش تمام منابع (All References) روی کتاب مورد نظر کلیک راست کنید. همانطور که در تصویر ۱۱ نشان داده شده است، گزینه‌ی «Add References to» را انتخاب و سپس روی قفسه‌ی مورد نظر خود کلیک کنید. کتاب یا کتاب‌های مورد نظر به قفسه‌ی مربوطه منتقل می‌شوند (تصویر ۱۱).

ب) مرتب کردن کتابها

اگر به تصویر ۱۱ نگاه کنید، مشاهده می‌کنید که بالای فهرست کتابها نوشته شده است: مؤلف (Author)، سال انتشار (year) و عنوان (Title). اگر روی هر کدام از این نوشته‌ها که در واقع سرستون

فهرست کتابها هستند، کلیک کنید، کتابها بر همان مبنای مرتب می‌شوند. برای مثال، اگر روی کلمه‌ی مؤلف کلیک کنید کتابها براساس حروف الفبایی نام مؤلف مرتب خواهند شد



جست‌وجو در میان کتابها

شاید اصلی‌ترین هدف شما از داشتن یک کتابخانه‌ی دیجیتال روی رایانه‌ی شخصی‌تان، این باشد که بدون دردسر در میان کتابها جست‌وجو کنید. نرم‌افزار اندنوت این امکان را برای شما به سادگی فراهم می‌کند. دو پایین صفحه در جایگاه وجود دارد «preview» و «search» که در حالت پیش فرض و معمولی؛ نرم‌افزار preview را نشان می‌دهد. کافی است روی کلمه‌ی search کلیک کنید تا بخش جست‌وجو باز شود (تصویر ۱۲).

همان‌طور که در تصویر ۱۲ مشاهده می‌کنند، جست‌وجو در میان کتابها با کلید واژه «بصیری» در نام مولف و کلید واژه‌ی «آزمایش» در قسمت عنوان کتابها انجام شده و نتیجه‌ی جست‌وجو در بالای آن آمده است.



دسترسی به کتاب و باز کردن فایل کتاب

برای دسترسی به کتاب و باز کردن فایل کتاب الکترونیکی، باید روی عنوان کتاب کلیک راست و بعد از آن در قسمت File Attachments گزینه‌ی open را کلیک کنید (تصویر ۱۳).

جمع بندی

در پایان تاکید می‌شود که این نرم‌افزار برای فیش برداری، مرتب کردن و نظم بخشیدن به منابع تحقیق طراحی شده است و معمولاً

کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، طبق قرار دادی که با شرکت تولید کننده‌ی نرم‌افزاری دارند، این برنامه‌ی مفید را در اختیار دانش‌جویان خود قرار می‌دهند. نوشتار حاضر تلاش کرد جنبه‌ای دیگر از کاربرد این نرم‌افزار - که خیلی خلاصه‌تر از کلیه امکانات نرم‌افزار است رابه علاقه‌مندان آموزش دهد. بی شک با فراگرفتن همین مختصر امکانات گفته شده، اگر حوصله‌ی کافی به خرج دهید، خواهید توانست از این نرم‌افزار بیشتر استفاده کنید.

پی‌نوشت

1. e.book
2. End Note
3. Download

منابع

1. www. endnote.com

۲. محمدی، فخرالسادات (۱۳۸۸). کارگاه آموزشی مدیریت اطلاعات کتاب‌شناختی به وسیله‌ی نرم‌افزار Endnote. [http:// paramed.tums. ac.ir/User Files/File/endnote class.pps](http://paramed.tums.ac.ir/User Files/File/endnote class.pps) تاریخ دسترسی خرداد ۱۳۸۹.

کتابخانه هم

کتابخانه‌ی

● رؤیا صدر

● کتابخانه‌ی مجازی فضایی را در خانه اشغال نمی‌کند و جا برای اشیای دیگر در منزل باز می‌شود. توضیح آن که خانه‌های کنونی، کوچک‌تر از آن‌اند که فضای مفید آن‌ها به‌وسیله‌ی کتاب اشغال شود و جای وسایلی چون ظروف کریستال و گلدان‌های چینی تنگ باشد.

● کتاب را نمی‌توان در دسترس اطفال گذاشت، چون پاره و کثیفش می‌کنند. در حالی که در عصر جدید، بچه‌ها شیوه‌ی کار با رایانه را از بزرگ‌ترها بهتر می‌دانند و بی‌هیچ دغدغه‌ای، می‌توان کل کتابخانه‌ی مجازی را با همه‌ی مخلفاتش در اختیار آن‌ها قرار داد.

● استفاده از کتابخانه‌های مجازی باعث شکوفایی علم چشم‌پزشکی و صنعت عینک‌سازی می‌شود و کمک بزرگی در این رابطه به بشریت می‌کند. در حالی که علم و صنعت مذکور در صورت استفاده‌ی بیشتر مردم از کتاب و عدم اقبال آن‌ها به فضای مجازی، کمتر رشد می‌کند.

● استفاده از کتابخانه‌ی دیجیتال باعث صرفه‌جویی در هزینه‌ها می‌شود. درست است که خرید کتاب پایین‌ترین رقم را در سبد هزینه‌های خانوار تشکیل می‌دهد. ولی این دلیل نمی‌شود که در این دوره‌ی و انفسا، از پول پفک کودک دل‌بندمان بزینیم و با سنگ‌دلی هر چه تمام‌تر، برای او کتاب بخریم.

● کتابخانه‌ی مجازی نیاز به گردگیری کتاب‌ها ندارد.

● استفاده از کتابخانه‌ی مجازی به تر کردن انگشتان هنگام ورق زدن نیاز ندارد و در نتیجه، احتمال انتقال میکروب انگشت به ناحیه‌ی زبان هنگام استفاده از آن در حد مینی‌مم است.

● احتمال ریختن چای و آب هنداونه روی اوراق کتاب‌های مجازی توسط خواننده بسیار پایین است. (این احتمال جز در موارد استثنایی به صفر میل می‌کند).

● امکان سوزانده شدن کتابخانه‌ی مجازی وجود ندارد. از این رو مورخان معتقدند: اگر کتابخانه‌ی استخر که توسط اسکندر مقدونی سوزانده شد، مجازی بود و حقیقی نبود، امکان محفوظ ماندن آن در طول تاریخ و امکان دستیابی به رمان‌های نویسندگان دوره‌ی هخامنشی برای ما بیشتر وجود داشت.

● در کتابخانه‌ی مجازی امکان تولید کتاب‌های بیشتری با وزن «مثنوی» وجود دارد. قابل

ذکر آن که مثنوی به علت برخورداری از هفتاد من کاغذ، با محدودیت یافتن ناشر

و یافتن اصله درخت برای تبدیل به ورق روبه‌رو ست و از این رو شاعران

رغبت نمی‌کنند به تولید آثاری در این حجم بپردازند؛ مگر این که

تضمینی برای ارائه‌ی اثر در فضای مجازی وجود داشته

باشد.

● کتابخانه‌ی مجازی از امنیت بیشتری از نظر

خورده نشدن از سوی گاوها، گوسفندها و بقیه‌ی احشام

برخوردار است. قابل ذکر آن که حتی همه‌ی «برادران

تصویر ساز بهنام خیامی



مجازی



کارامازوف «هم در فضای حقیقی می‌توانند خوراک یک وعده‌ی یک گاو شوند. در حالی که همین گاو، اگر بخواهد «یک مشت تمشک»* موجود در یک لپ‌تاپ یا حتی موبایل تلفن همراه را نوش جان کند، چه بسا به ثقل سرد نیز دچار شود.

● اوراق کتاب تا می‌شود، در حالی که امکان تا شدن اوراق رایانه حتی در صورت اوراق شدن دستگاه نیز وجود ندارد.

● استفاده از کتابخانه‌ی دیجیتال باعث صرفه‌جویی در وقت و انرژی می‌شود. چرا که برای تهیه‌ی کتاب دیجیتال نیاز نیست زحمت طاقت فرسای مراجعه به کتاب‌فروشی را بر خود هموار سازیم و نیروی خود را می‌توانیم برای کارهای سازنده‌ای چون بازی رایانه‌ای ذخیره سازیم.

● امکان جا گذاشتن کتابخانه مجازی در اتوبوس و تاکسی و مترو کمتر است (به‌خصوص اگر از رایانه‌های ذغالی استفاده می‌کنید، این احتمال به صفر می‌رسد). در حالی که هر آن امکان دارد کتاب‌مان را در مکان‌های فوق‌جا بگذاریم و یا سارقان بدشانس، به گمان این که شیء ارزشمندی را در کیسه‌مان حمل می‌کنیم، آن را از ما بدزدند.

● استفاده از فضای کتابخانه مجازی، امکان وسیع‌تری را برای تهیه‌ی سریع و بدون زحمت مقالات علمی فراهم می‌کند. این کار در کتابخانه‌ی مجازی با یک کپی پیست ساده انجام می‌گیرد، در حالی که در فضای واقعی مجبوریم زحمت طاقت فرسای رونویسی را بر خود هموار کنیم که این کار صدمات جبران ناپذیری را برانگشت سبابه و مچ دستمان وارد می‌آورد.

● کتابخانه‌ی مجازی مدام جلوی چشممان نیست تا مثل آینه‌ی دق، حجم و تعداد عناوین کتاب‌های خوانده نشده را به رخمان بکشد. از این رو سال به سال هم سراغ کتاب نرویم، کمتر احساس خجالت می‌کنیم.

● نمی‌شود کتابخانه‌ی مجازی را با خود به جلسه‌ی امتحان برد یا به عنوان زیردستی! از آن استفاده کرد. از این رو کتابخانه‌ی مجازی می‌تواند برای معلمان پدیده‌ای مثبت تلقی شود، هر چند برای دانش‌آموزان بی‌شک سر امتحانات پدیده‌ای ویرانگر و مخرب به‌شمار می‌آید.

● کتاب‌های کتابخانه مجازی را نمی‌شود امانت داد. این امر، بی‌شک برای آدم‌های خجالتی و اهل رو در بایستی که به عادت زشت! امانت دادن کتاب مبتلایند و به همین دلیل، مدام از حجم کتاب‌هایشان کاسته می‌شود، پدیده‌ی مبارکی است. از **کنفوسیوس** حکیم در این رابطه نقل است که: «کتاب امانتی را کی داده، کی گرفته؟!»

● احساس مالکیت افراد نسبت به کتاب‌ها از بین می‌رود و کتاب از فضای حقیقی زندگی، رخت برمی‌بندد. بی‌شک این هم پدیده‌ی مثبتی است و اثرات بسیار سازنده‌ای دارد که به دلیل کمبود جا، تشریح و تبیین مثبت بودن مذکور در این مقال و مقال‌های دیگر نمی‌گنجد و هرگونه کم آوردن دلیل و منطوق در این رابطه تکذیب می‌شود. کتابخانه‌ی مجازی خیلی هم از جمیع جهات خوب و کتابخانه‌ی غیرمجازی بد است...

*برادران کارامازوف نام رمانی از داستایفسکی و «یک مشت تمشک» نام رمانی از اینیاتسیو سیلونه است.



SCRATCH

● آرزو امیر جاملویی
دبیر منطقه‌ی ۶ آموزش و پرورش

اشاره

در قسمت اول با محیط برنامه‌ی اسکرچ، آشنا شدیم و نگاهی به بلوک‌های برنامه‌سازی انداختیم. قرار بود سری به پروژه‌های آماده‌ی اسکرچ بزنید تا با ایده‌های مختلف آشنا شوید.

انجام یک پروژه: راه رفتن گربه در اتاق!

این پروژه را مرحله به مرحله انجام می‌دهیم. اول باید ببینیم برای ایجاد انیمیشن «راه رفتن گربه» چه کاری باید انجام دهیم. به این منظور لازم است که برای «اسپرایت» (شخصیت پروژه) حداقل دو حالت متفاوت داشته باشیم. هر حالت از اسپرایت یک «costume» نامیده می‌شود. با تعویض جای costume ها، انیمیشن به وجود آید (تصویر ۲).

روی سربرگ costumes کلیک کنید. می‌بینید که یک حالت دیگر از اسپرایت گربه به نام costumes در این قسمت وجود دارد.



حالا کافی است که با عوض کردن پی‌پی این دو costume، حالت راه رفتن را برای گربه ایجاد کنیم. برای عوض کردن جای یک costume با دیگری، از بلوک «next costume» استفاده می‌کنیم (تصویر ۲).

حالا هر بار که روی بلوک دبل کلیک کنیم، حالت گربه عوض می‌شود. اما به جلو نمی‌رود! پس باید یک بلوک حرکت به برنامه‌مان اضافه کنیم.

ایجاد حرکت

برای ایجاد حرکت از بلوک‌هایی که در قسمت «Motion» هستند، استفاده می‌کنیم (تصویر ۳).

خب! به گربه دستور می‌دهیم هر بار که حالتش عوض شد. دو قدم هم به جلو حرکت کند (تصویر ۴).



یعنی ۱۰ قدم به جلو حرکت کن

انیمیشن ما هنوز هم به دل نمی‌نشیند! راه رفتن یک کار مداوم است و ما دوست داریم با یک‌بار کلیک کردن انیمیشنمان اجرا شود. پس باید این دو دستور مرتب تکرار شوند (تصویر ۵).

نکته: برای توقف، روی دکمه‌ی stop بالای صفحه که در کنار پرچم سبز قرار دارد، کلیک کنید.



با اجرای برنامه متوجه می‌شویم که گربه بسیار تند حرکت می‌کند. بهتر است یک دستور «مکث» (wait) بین دستورات به او بدهیم (دستور wait از سری بلوک‌های مجموعه‌ی control است - تصویر ۶).





۷



۸

یعنی اگر به لبه رسیدی، برگرد!

راه بهتری به جای هر بار دبل کلیک کردن وجود دارد؛ به تصویر ۷ دقت کنید. با این کار، انیمیشن ما با هر بار کلیک کردن روی پرچم سبز اجرا می‌شود. حسن این کار آن است که در حالت «presentation» که بلوک‌های برنامه‌مان دیده نمی‌شوند نیز این دکمه وجود دارد و با کمک آن به راحتی می‌توان پروژه را اجرا کرد. این بلوک را از مجموعه‌ی control می‌توان انتخاب کرد.

با اجرای این دستورات گربه راه می‌رود و وقتی به انتهای صفحه برسد، از صفحه خارج می‌شود. اگر بتوانیم کاری کنیم که وقتی به انتهای صفحه می‌رسد برگردد، جالب‌تر می‌شود. برای این کار بلوک **if on edge, bounce** را از سری بلوک‌های Motion انتخاب می‌کنیم و به آخر برنامه اضافه می‌کنیم (تصویر ۸).

نکته: برای این که وقتی برمی‌گردد وارونه نشود، حالت چرخش اسپریت را طوری که در تصویر ۹ نشان داده شده است، تنظیم کنید (تصویر ۹).

اکنون گربه‌ی ما حرکت می‌کند و ما یک انیمیشن ساخته‌ایم. تنها چیزی که باقی مانده، این است که قرار بود گربه در فضای اتاق حرکت کند. پس باید زمینه را تغییر بدهیم.



۹

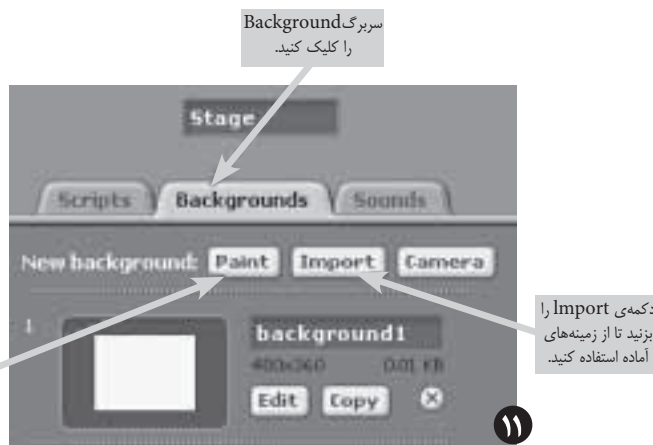
زمینه

برای این که بتوانید زمینه‌ی کار (Background) را به دل‌خواه خود تغییر دهید، ابتدا (تصویرهای ۱۰ و ۱۱):



۱۰

کلیک کنید تا گزینه‌های مربوط به «stage» مانند «Background» ظاهر می‌شوند.



سربرگ Background را کلیک کنید.

اگر مایلید طرح زمینه کارتان را خودتان طراحی کنید، دکمه‌ی paint را کلیک کنید.

دکمه‌ی Import را بزنید تا از زمینه‌های آماده استفاده کنید.

۱۱

می‌توانید از میان زمینه‌های آماده، زمینه‌ی «bedroom ۱» را از پوشه‌ی «Indoors» انتخاب کنید. حالا پروژه‌ی ما آماده است! آن را در حالت presentation اجرا کنید و از انیمیشنی که ساخته‌اید، لذت ببرید.



ایستادن پنگوئن‌ها

به صورت جمعی به روش شبیه‌سازی

پژوهش‌سرای دانش‌آموزی محمدبن زکریای رازی، ناحیه‌ی یک شهری
 • مهشید ژاله

چکیده

مشاهده‌ی زندگی جمعی پنگوئن‌های امپراتور در عکس‌ها و تلویزیون و سایت‌های اینترنتی، همیشه این سؤال را در ذهنم ایجاد می‌کرد که چرا آن‌ها غالباً به صورت دسته جمعی می‌ایستند؟ آیا این شیوه نوعی دفاع در مقابل دشمن است یا برای مقابله با عامل ناشناخته‌ای است؟ برای پاسخ به این سؤال یک گروه تحقیق از دانش‌آموزان تشکیل دادیم تا ببینیم: چرا پنگوئن‌ها به صورت تجمعی می‌ایستند؟

منبع مطالعات خود را سایت‌هایی اینترنتی انتخاب کردیم و هر دانش‌آموز مسئول تحقیق در موردی خاص شد. با استفاده از اطلاعاتی که در ارتباط با فیزیولوژی و اکولوژی این حیوان به دست آوردیم، فرضیه‌سازی کردیم. فرضیه از این قرار بود: پنگوئن‌ها برای کاهش سرعت انتقال گرمای بدنشان به محیط و برای حفظ بچه‌های خود از سرما، به صورت گروهی می‌ایستند. برای اثبات فرضیه‌ی خود در آزمایشگاه از روش شبیه‌سازی استفاده کردیم. با جمع‌آوری داده‌ها و پردازش آن‌ها با رایانه و تحلیل نتایج، فرضیه‌ی ما اثبات شد.

کلید واژه‌ها: شبیه‌سازی، ایستادن پنگوئن‌ها، لوله‌های آزمایش.

سرآغاز

زیبایی‌های قطب شمال و جنوب همیشه برای انسان وسوسه‌انگیز بوده‌اند. دمای حدود ۵۰ درجه زیر صفر همیشه این پرسش را در ذهن انسان مطرح می‌کند که: آیا حیوانات می‌توانند در این دما به حیات خود ادامه دهند؟ خرس‌های قطبی و پنگوئن‌ها همیشه یادآور زندگی و جنب‌وجوش در این مناطق سرد هستند. خرس‌ها غالباً به صورت خانوادگی زندگی می‌کنند و کمتر به صورت جمعی در قطب‌ها دیده شده‌اند. ولی پنگوئن‌ها همیشه به صورت دسته جمعی زندگی می‌کنند و به صورت گروهی در کنار هم می‌ایستند. ایستادن تجمعی پنگوئن‌ها برای ما جای سؤال‌انگیز بود. در این تحقیق سعی کردیم با استفاده از اطلاعات اینترنت و نرم‌افزارهای گوناگون و فعالیت‌های عملی در آزمایشگاه از طریق شبیه‌سازی، به نتیجه‌ی قابل قبولی برسیم.

بحث

فرضیه‌ی ۱. پنگوئن‌ها برای دفاع از خود در مقابل دشمن به صورت دسته‌جمعی می‌ایستند.

فرضیه‌ی ۲. پنگوئن‌ها برای کاهش سرعت انتقال گرمای بدن به محیط اطراف، دور هم جمع می‌شوند.

برای بررسی فرضیه‌ی اول به تحقیق در اینترنت پرداختیم و مشاهده شد که: این پرندگان، سرزمینی با سرمای شدید را برای تولید مثل انتخاب می‌کنند و به آن‌جا می‌روند تا مزاحمتی برای آن‌ها وجود نداشته باشد. زیرا هیچ یک از دشمنان آن‌ها توانایی مقاومت در برابر چنان آب و هوای سختی را ندارند. بنابراین ایستادن آن‌ها به صورت دسته‌جمعی به علت دفاع در مقابل دشمن نیست و فرضیه‌ی اول پذیرفته نشد.

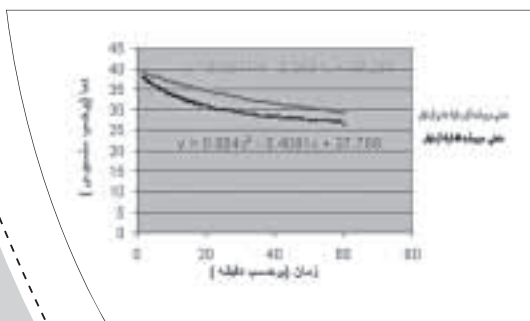
برای بررسی صحت فرضیه‌ی دوم خود به شبیه‌سازی پرداختیم و در آزمایشگاه از لوله‌ی آزمایش به جای پنگوئن استفاده کردیم. در این آزمایش برای بررسی سرعت انتقال گرما، تعدادی لوله‌ی آزمایش را به شکل دایره کنار



هم چیدیم و یک لوله آزمایش را به صورت تکی و با فاصله‌ی زیاد از آن‌ها قرار دادیم. پس از ریختن مقدار معینی آب با دمای بالاتر از دمای محیط آزمایش با استفاده از دماسنج‌های درون لوله‌ها (که یکی در درون لوله تکی و دیگری در لوله‌ی وسطی لوله‌های گروهی قرار داشت)، دما را در بازه‌ی زمانی یک ساعته به صورت مرتب اندازه‌گرفتیم و در جدولی یادداشت کردیم. دانش‌آموزان نتایج به‌دست آمده را با استفاده از نرم‌افزار «Excel» جدول‌بندی کردند و با استفاده از همین نرم‌افزار، نمودار تغییرات دما بر حسب زمان را هم‌زمان برای لوله‌های گروهی و لوله‌ی تکی رسم کردند؛ کاری که بدون استفاده از رایانه خیلی مشکل بود. گام بعدی نوشتن گزارش کار بود. دانش‌آموزان با استفاده از نرم‌افزار «Word» گزارش این آزمایش را تهیه کردند. عکس‌های گرفته شده در آزمایشگاه را نیز خیلی راحت در رایانه وارد کردند. جدول و نمودار رسم شده با استفاده از نرم‌افزار «Excel» را با کپی کردن، درون گزارش خود جای‌گذاری کردند و گزارش این آزمایش را توسط نرم‌افزارهای رایانه‌ای به راحتی ارائه دادند.



تصویرهای انجام آزمایش شبیه‌سازی موفقیت.



نمودار تغییرات دما بر حسب زمان برای لوله‌ی آزمایش تکی و لوله‌های گروهی.

نتیجه‌گیری

با استفاده از نمودارهایی که نرم‌افزار «Excel» به ما ارائه داد نتیجه گرفتیم که: «برای لوله‌های آزمایش گروهی، گرما با سرعت کمتری نسبت به لوله‌ی آزمایش تکی به محیط انتقال می‌یابد. در واقع پنگوئن‌ها نیز برای کاهش سرعت انتقال گرما به محیط، کنار هم جمع می‌شوند و به این ترتیب فرضیه‌ی ما ثابت شد.

منابع

1. <http://en.wikipedia.org>
2. <http://kids.nationalgraphic.com>
3. <http://news.softpedia.com>
4. aftab.ir

نجوای شبانه‌ی

کتاب

● شیبیا ملک

آغاز آشنایی من با ادبیات کلاسیک فرانسه بود. بعداً مدت‌ها در کتاب‌فروشی‌ها به دنبال کتاب‌گشتم و سرانجام آن را یافتم (هنگام مطالعه‌ی کتاب حواسم بود که از روایتگر داستان پیشی نگیرم). جالب این‌که به دنبال آن، بحث‌هایی را در مجلات ادبی یافتم که تریستان و ایزوت را با «ویس ورامین» مقایسه می‌کردند. و من به این ترتیب، کم و بیش، به وادی عاشقانه‌های ادبی سرک می‌کشیدم.

روزهای شیرین کتاب‌خوانی با فراغ‌بال و کتاب‌شنیدن‌های شبانه به سرعت باد گذشتند. این روزها از صبح تا شب با عقربه‌های ساعت کلنجار می‌روم که آرام‌تر بچرخند، تا من فرصت کنم کتاب بخوانم؛ روزهایی که فناوری پاورچین پاورچین در سراسر زندگی‌مان ریشه دوانده است رادیوی کوچک دایره‌ای شکل دوران دبیرستان من که به سختی زیر بالش پنهان می‌شد، کجا و این ابزارهای عجیب و غریب پنهان زیر مقنعه‌های دختران جوان کجا؟ گمان من این بود که این ام‌پی‌تری‌ها تنها به کار هنر و تفریح و یا حداکثر ضبط و بازپخش سخن‌رانی می‌آیند.

مدتی بود دختر من هم به جمع این دخترکان سیم در گوش اضافه شده بود. با رعایت جوانب روان‌شناسانه، ته و توی قضیه را در آوردم. آری او در راه دانشگاه یک سلسله سخنرانی گوش می‌کند. دخترکم علاقه و کنجکاوی مرا که دید بعد از آن که مرا به زور و برای حفظ سلامتی، به پیاده‌روی واداشت، پیشنهاد داد یک کتاب صوتی روی تلفن همراهم نصب کند. من هم از خدا خواسته، پذیرفتم.

حالا بعد از ظهرها که برای پیاده‌روی می‌روم. از این سیم‌ها در گوش دارم و کتاب صوتی «بابالنگ‌دراز» را به زبان انگلیسی می‌شنوم. حس نوستالژیک شنیدن بابالنگ‌دراز بعد از ۴۰ سال، آن هم به زبان انگلیسی، برایم جالب است.

این روزها دوستانم را که می‌بینم، می‌گویم: «واقعاً چه می‌کند این فناوری! هم کتاب می‌شنوم، هم ورزش می‌کنم و هم تمرین زبان.» و این‌گونه برای کتاب صوتی تبلیغ می‌کنم. راستی شما هم تجربه کنید.

ساعت ده و پنج دقیقه‌ی هر شب، پیرمرد رادیو را بیخ گوشش می‌گذاشت. ما بچه‌ها با شنیدن صدای خانمی که می‌گفت «قصه‌ی شب» بساطمان را جمع می‌کردیم و می‌فهمیدیم که باید از اتاق پیرمرد بیرون برویم قصه‌ی رادیو پایانی بود بر داستان سرایی او ...

از همان کودکی قصه‌شنیدن از رادیو را دوست نداشتم. شاید چون ترجیح می‌دادم یک موجود زنده‌ی قابل لمس، با تمام احساسش، برایم داستان بگوید. یا شاید با کتاب راحت‌تر ارتباط برقرار می‌کردم، چون می‌شد آن را ورق زد و آخر داستان را فهمید.

سال‌ها بعد، در دوران دبیرستان، با توفیق اجباری، رادیو به مجموعه‌ی دوستانم اضافه شد. آن زمان در خانه‌ی ما از چراغ مطالعه خبری نبود. یا تک‌چراغ وسط اتاق روشن می‌ماند و یا تاریکی محض بود. (مزه‌ی کتاب‌خواندن قبل از خواب را سال‌ها بعد، وقتی صاحب چراغ مطالعه شدم، چشیدم) در آن شب‌های تاریک، یک رادیوی کوچک پنهان زیر بالش، مرا به دنیای ادبیات جهان پرتاب کرد! بله، واقعاً پرتاب شدم:

یکی از شب‌ها، من که از کودکی از «قصه‌ی شب» دل‌خوشی نداشتم، کانال‌ها را جا به جا کردم تا به‌طور تصادفی شنونده‌ی یک کتاب شدم: «تریستان و ایزوت» اثر ژوزف بدیه. این اسامی به همین وضوح، اکنون که حدود سی و چند سال از آن شب‌ها می‌گذرد، در ذهنم حک شده، است. راوی کتاب صدای خوشی داشت. نامش را به خاطر ندارم. این داستان حدود ساعت ۱۰:۲۰ هر شب به مدت ۲۰ دقیقه از یک شبکه‌ی فرهنگی رادیو پخش می‌شد.

من هر شب بی‌صبرانه منتظر شنیدن این کتاب بودم. آری این اولین تجربه‌ی شیرین من از «کتاب‌شنیدن» و

کتابخانه ملی

گزارش: زینب گلزاری

عکس: طیبه رحیمی

«کتابخانه ملی ایران» در سال ۱۳۱۶ تأسیس شد. بر اساس قانون واسپاری کتاب که در مجلس شورای اسلامی تصویب شده است، ناشرین موظف هستند دو نسخه از کتاب منتشر شده‌ی خود را رایگان در اختیار این کتابخانه قرار دهند. البته این قانون چیزی فراتر از واسپاری کتاب و نشریه است. در حقیقت علاوه بر کتاب و نشریات، انتشار نقشه، اطلس، بروشور، بولتن، گزارش، پایان نامه، عکس، تمبر، تقویم، اعلامیه، بولتن، سی دی، میکروفیلم و میکرو فیش‌ها نیز باید به اطلاع‌رسانی شده و یک نسخه از آن در این مکان حفاظت و نگهداری شود. وظیفه‌ی اصلی کتابخانه ملی جمع‌آوری، حفاظت و نگهداری از این منابع و سپس سرویس دهی و پاسخ‌گویی به محقق و پژوهشگر است.

با سرکار خانم **عطری**، یکی از کارشناسان علاقه‌مند این مرکز همراه می‌شویم و شمارا به این بازدید افتخار آفرین بر فراز تپه‌های عباس آباد دعوت می‌کنیم.



اعضای کتابخانه ملی باید حداقل دارای مدرک کارشناسی باشند تا بتوانند از بخش عمومی استفاده کنند و برای استفاده از بخش تخصصی داشتن مدرک کارشناسی ارشد و بالاتر الزامی است. دلیل این امر هم به سیاست اصلی این مرکز که پاسخ‌گویی و ارائه‌ی خدمات به پژوهشگران است بر می‌گردد.

کتابخانه ملی علاوه بر سرویس دهی به محققان، به عنوان یک کتابخانه‌ی الگو و استاندارد برای سایر کتابخانه‌های کشور نیز نقش مهمی ایفا می‌کند. بنا براین اگر بخش عمومی یا بخش کودکان در این مجموعه وجود دارد، به همین منظور است.

اعضای کتابخانه‌ی ملی پس از عضویت، یک شماره‌ی کاربری و رمز عبور دریافت می‌کنند که می‌توانند از این طریق به فهرست منابع دسترسی پیدا کنند. نرم افزار «رسا» به عنوان یکی از نرم افزارهای کتابداری بر روی سیستم‌های رایانه‌ای نصب شده که برای کاربران امکان جست‌وجوی منابع را فراهم می‌آورد.



برخی از ناشران چند نسخه‌ی اضافه از کتاب خود را در اختیار کتابخانه قرار داده‌اند که این همکاری خوب آن‌ها به کارکنان کتابخانه امکان داده است که این منابع را به صورت امانت خارج از مرکز در اختیار پژوهشگران قرار دهند. پژوهشگر بعد از جست‌وجوی منبع از طریق سیستم‌های رایانه‌ای موجود، نوع امانت خود را که «داخل سالن» یا «خارج از سالن» است انتخاب می‌کند و شماره‌ی سفارش را به مسئول کتابخانه ارائه می‌دهد.

همکاران مرکز بلافاصله تقاضای سفارش را از طریق شبکه‌ی داخلی رایانه‌ای ثبت و منبع درخواستی توسط کانتینرهای حمل کتاب از مخزن که در طبقات پایین مرکز است، توسط مسئول حاضر در مخزن به ایستگاه متقاضی فرستاده می‌شود. کانتینرهای حمل کتاب توان جابجایی ۹ تا ۱۱ کیلو گرم بار را دارند. آن‌ها روی ریلی به طول ۲۵۰۰ متر در تمام طبقات گسترده شده‌اند و منابع در خواستی متقاضیان را جابه‌جا می‌کنند.

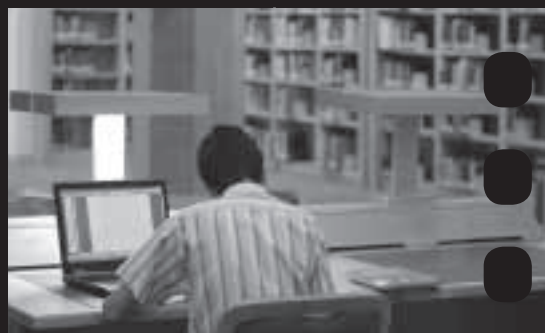
شاید برای شما هم جالب باشد که بدانید که این سیستم حمل کتاب از نظر طول ریل مقام دوم را در دنیا دارد. کتابخانه‌ی ملی کشور فرانسه با طول چهار کیلومتر ریل، رتبه‌ی اول را به خود اختصاص داده است.



نماد کتابخانه‌ی ملی شبیه کتاب باز شده است. یک درخت که رشد علم را نشان می‌دهد، شاخه‌ها شاخه‌های علوم هستند و حالت خورشیدی آن جهان شمول بودن علم را نشان می‌دهد.



تمام سالن‌های مطالعه در این کتابخانه به چراغ مطالعه مجهز هستند. زیر میزها جعبه ای تعبیه شده که نیاز به دوشاخه برق و سوکت کامپیوتر را بر طرف می کند. مراجعه کننده می تواند با لپ تاب شخصی خود از اینترنت رایگان استفاده کند. در بخش تخصصی نیز سایت رایانه‌ای وجود دارد تا اگر فردی لپ تاب شخصی نداشت بتواند از اینترنت رایگان به مدت یک ساعت استفاده کند.



کتابخانه ملی تالار مطالعه‌ی مخصوص نابینایان و کم بینایان نیز دارد. اگر علاقه مند به کسب اطلاع از امکانات این بخش هستید شماره بعد هم ما را همراهی کنید.

کتابخانه‌ی ملی فقط به صورت حضوری پاسخ گو نیست. بنابراین امکان جستجوی منابع را از طریق سایت با آدرس اینترنتی «www.nlai.ir» فراهم کرده است تا قبل از مراجعه‌ی حضوری، پژوهشگر جستجوی اولیه را انجام دهد و از وجود منبع مورد نظر اطمینان حاصل کند.

در بخش تخصصی، امانت منابع وجود ندارد اما برای رفع نیاز متقاضیان اسکن و زیراکس پیش بینی شده است. پژوهشگر می تواند بنابر نیازش یک سوم منبع را زیراکس یا روی فلش و سی دی ذخیره کند.

کتابخانه‌ی کودک و نوجوان در این مرکز به صورت نمادین ساخته شده است و پذیرای کودکان پژوهشگرانی است که از بخش تخصصی استفاده می کنند. چون کودکان اجازه ورود به بخش تخصصی را ندارند.

ساختن کتاب همراه

با نرم افزار Ketabche • محمدرضا معینی

اگر تلفن همراه دارید. حتماً تا به امروز باپدیده‌ی «کتاب همراه» هم آشنا شده‌اید. اگر آشنا نشده‌اید، بهتر است زودتر به فکر بیفتید که ممکن است یک تجربه‌ی ناب و فوق‌العاده را از دست بدهید! فرض کنید توی مترو ایستاده‌اید و وقت بیهوده می‌گذرد. چه کاری بهتر از خواندن غزلیات حافظ و یا مجموعه داستان‌های مرادی کرمانی؟! یا مجموعه آثار متفکر شهید، استاد مطهری؟ اگر هم محصل باشید، می‌توانید کتاب درسی‌تان را روی گوشی تلفن همراه بخوانید! ولی چه‌طور؟ بعضی از کتاب‌ها در شبکه‌ی اینترنت موجودند؛ مثل دیوان اکثر شعرا یا متن کامل همه‌ی کتاب‌های درسی. ولی یک قدم فراتر بگذارید! فرض کنید معلم هستید و می‌خواهید جزوه‌ی درسی خود را در اختیار بچه‌ها بگذارید، یا لغات زبان را برای آن‌ها طبقه‌بندی کنید و هزار کار فوق‌العاده‌ی دیگر!

در این مقاله قصد داریم نحوه‌ی درست کردن «کتاب همراه» را شرح دهیم. اکثر کتاب‌های همراه کنونی با نرم‌افزار «fbook» ساخته می‌شوند، اما در این جا قصد داریم نرم‌افزار «Ketabche» را به شما معرفی کنیم. کتابچه نسخه‌ی جدید fbook است که اخیراً منتشر شده است. این نرم‌افزار از چند منظر نسبت به نسخه قبلی برتری دارد:

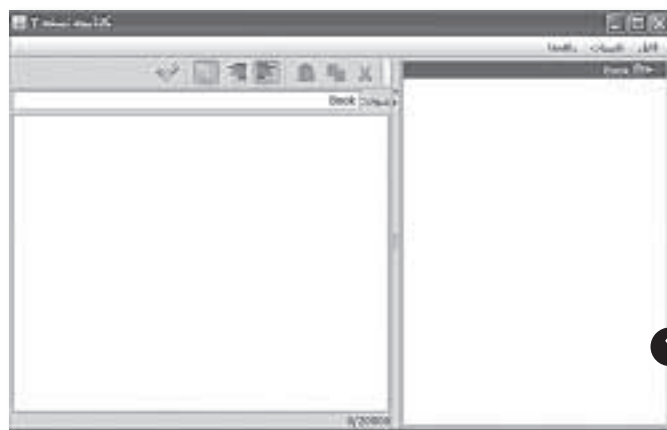
- محیط گرافیکی آن جذاب‌تر است.
- سیستم جست‌جوی آن قوی‌تر است.
- در تلفن‌های همراه «full touch» (که اصلاً کلید ندارند و کار کردن با کتاب همراه در آن‌ها بسیار سخت، بلکه غیرممکن است) امکان صفحه‌ی «touch» را مهیا می‌کند و کلیدهای touch به طور خودکار روی آن قرار می‌گیرند.

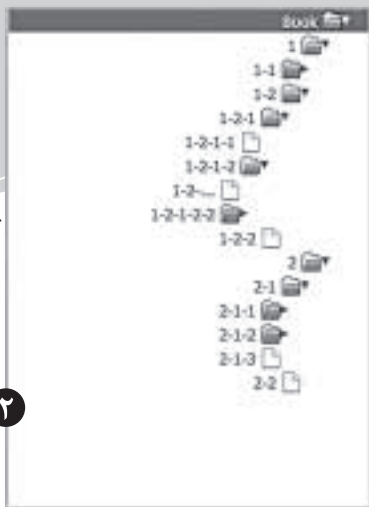
■ استفاده از این نرم‌افزار بسیار ساده است و هرکس با کمترین

اطلاعات می‌تواند از آن بهره بگیرد.

- برای استفاده از نرم‌افزار ketabche به «جاوا» نیاز دارید. نسخه‌ی رایگان خود نرم‌افزار را هم می‌توانید از سایت سازندگان آن، یعنی «www.mobile4use.com» دانلود کنید.

نرم‌افزار و نیز جاوا را نصب و نرم‌افزار را اجرا کنید. در ستون سمت راست، نمودار درختی کتاب شما رسم شده است. با کلیک راست روی هر فصلی از کتاب و انتخاب گزینه‌ی اضافه کردن، می‌توانید به فصل خودتان زیر فصل، به زیر فصل‌هایتان، بخش و به بخش‌هایتان، زیر بخش بدهید و تا هر جا که بخواهید، این کار را ادامه دهید! بعد از ساختن هر فصل، عنوان آن را در سمت چپ به عنوان مورد





۲

نظر خود تغییر دهید مثلاً ۱-۱ یا فصل اول یا... و کلید «اعمال تغییرات» بالای آن را بزنید (تصویر ۳).

پس از این که درخت کتاب خود را کاملاً درست کردید، نوبت به تولید محتوای کتاب می‌رسد. فصل مورد نظرتان را انتخاب کنید و متن خودتان را در بخش سمت چپ بنویسید یا **copy** و **paste** کنید. فراموش نکنید که پس از اعمال هر تغییری کلید «اعمال تغییرات» را بزنید! دقت کنید که در هر فصل حداکثر می‌توانید تا ۲۰ هزار حرف بنویسید. خود نرم‌افزار متن شما را در صفحات متوالی تقسیم می‌کند.



۳

اگر فصلی از کتاب شما بیش از ۲۰ هزار حرف دارد، می‌توانید آن را در چند بخش قسمت کنید و در فصلتان چند بخش (مثلاً با نام‌های بخش اول، بخش دوم و ...) قرار دهید.

اگر متن خود را از جایی **copy** کرده‌اید، پس از **paste** کردن، کلید «شکستن متن» را بزنید تا نرم‌افزار، متن را متناسب با صفحه‌ی تلفن همراه تنظیم کند.

پس از این که تمام متون خود را وارد کردید، نوبت به مرحله‌ی نهایی کار می‌رسد. در منوی تغییرات، گزینه‌ی «جزئیات کتاب» را انتخاب کنید. نام کتاب، نویسنده‌ی آن و... را پر کنید. البته باید برای کتابتان آیکون و صفحه‌ی جلد هم انتخاب کنید. توجه داشته باشید که فرمت عکس‌ها باید «PNG» باشد. می‌توانید با «photoshop» این تصویرها را بسازید (تصویر ۴). بعد از تمام این کارها، در منوی «فایل»، گزینه‌ی «ساخت نسخه‌ی 4.9» را بزنید.



۴

در این مرحله لازم است نماهایی را که می‌خواهید کتابتان داشته باشد، اضافه کنید. هر چه تعداد بیشتری نما برای کتابتان بگذارید، حجم آن بیشتر می‌شود. این نماها در خود کتاب (هنگام استفاده تلفن همراه) قابل استفاده هستند.

اکثر گزینه‌های این صفحه غیر فعال هستند! کلید ساختن را بزنید و ... تمام شد! نرم‌افزار به شما یک فایل جاوا تحویل می‌دهد که روی هر تلفن همراهی قابل استفاده است! تبریک می‌گوییم! شما اولین کتاب همراه خودتان را ساختید و می‌توانید آن را از روی رایانه به تلفن همراه منتقل کنید. از این امکان به نیکی بهره ببرید.

فراموش نکنید که هر قدر بیشتر با یک نرم‌افزار کار کنید و به اطراف آن سرک بکشید، آن را بهتر یاد می‌گیرید! پس یادگیری دیگر امکانات نرم‌افزار ketabche را به خودتان می‌سپاریم!



۲۷



مباحث نوین کتابداری و اطلاع رسانی

● بهناز پورمحمد

شناخت و پیاده سازی کتابخانه های دیجیتال و مجازی (همراه CD)

مؤلف: داود محمدی فرد

ناشر: تهران انتشارات چاپار و لنجوان

قیمت: ۲۲۰۰۰ ریال

تلفن تماس: ۰۲۱۸۸۸۹۶۸۰

مطالعه‌ی این کتاب به افرادی توصیه می‌شود که می‌خواهند با تاریخچه‌ی کامل کتابخانه‌ی دیجیتال و مجازی آشنا شوند و اطلاعات خود را در این زمینه کامل کنند. کتاب به طور مفصل در چهار فصل به اضافه‌ی یک سی‌دی ضمیمه آماده شده است و اطلاعات خوب و جامعی را به مخاطب مشتاق ارائه می‌کند. کتاب «شناخت و پیاده‌سازی کتابخانه‌های دیجیتال و مجازی» شامل چهار فصل است. فصل اول به تاریخچه‌ی کتابخانه‌های دیجیتال و مجازی می‌پردازد که شامل مطالبی با این عنوان‌هاست:

■ نگاهی به تاریخچه‌ی ورود فناوری‌های جدید به کتابخانه‌ها؛

■ مروری بر تاریخچه‌ی ورود رایانه به کتابخانه؛

■ نگاهی به روند پیدایش کتابخانه‌های دیجیتال و مجازی؛

■ و ...

فصل دوم کتاب به طراحی و پیاده‌سازی کتابخانه‌ی دیجیتال و اصولی که در طراحی کتابخانه‌ی دیجیتال باید رعایت شود، می‌پردازد. مهم‌ترین مطالب این بخش عبارت‌اند از: مراحل راه‌اندازی کتابخانه‌ی دیجیتال؛ چگونگی تهیه‌ی نرم‌افزار؛ دیجیتالی کردن اطلاعات منابع اطلاعاتی موجود؛ برنامه‌های اسکن؛ چگونگی تأمین اطلاعات از منابع دیگر؛ معماری کتابخانه‌ی دیجیتال؛ استانداردهای موجود کتابخانه دیجیتال؛ ...

فصل سوم، سرویس‌ها و سیستم‌های کتابخانه‌ی دیجیتال را معرفی می‌کند؛ برخی از سرویس‌هایی که کتابخانه‌ی دیجیتال در اختیار کار بر خود قرار می‌دهد، از این قرارند: سرویس جست و جو؛ سرویس بازیابی اطلاعات الکترونیکی؛ سرویس Browse؛ سرویس محدوده‌ی اطلاعات.

فصل آخر کتاب نیز به معرفی چند کتابخانه دیجیتال داخلی و خارجی که اطلاعات کاربر را کامل‌تر می‌کند، اختصاص دارد. با مطالعه‌ی این کتاب و دیدن سی‌دی ضمیمه‌ی آن، با خیلی از مزایای کتابخانه‌های دیجیتال و مجازی آشنا می‌شوید.

نکته‌ی پایانی این که سی‌دی کتاب حاوی مواردی به این شرح است:

■ نسخه‌ی الکترونیکی متن کامل کتاب؛

■ متن پنج کتاب الکترونیکی (Ebook) لاتین در حوزه‌ی کتابخانه‌ی دیجیتال و مجازی؛

■ تصاویر کتاب به صورت مجزا؛

■ اسلاید فصل‌های کتاب که به سهولت در یادگیری کمک می‌کند؛

■ بیش از صد مقاله‌ی فارسی و لاتین در حوزه‌ی کتابخانه‌ی دیجیتال و مجازی.

■ یک نمونه RFP (درخواست برای ارائه‌ی پیشنهاد) کتابخانه‌ی دیجیتال.

مراقبت بدون ملالت

● سیده فاطمه شبیری

کسی می‌گفت معلمی بهترین کار دنیاست، با این شرط که فقط دو قسمتش را حذف کنی: کلاس رفتن، و ورقه صحیح کردن. از طنز این گفته که بگذریم، من فکر می‌کنم اگر روزی از معلمان آمار بگیرند که کدام بخش از معلمی را دوست ندارند، دو چیز بالاترین امتیاز را می‌آورد: ورقه صحیح کردن و مراقب جلسه‌ی امتحان بودن. من به شخصه با اولی مشکل چندانی ندارم، چون در تصحیح اوراق به آگاهی‌های خوبی در مورد شاگردانم می‌رسم و به همین دلیل، موقع انجام آن احساس بی‌هودگی نمی‌کنم، اما امان از دومی! این که مجبور باشی دو ساعت تمام (مخصوصاً اگر آزمون ریاضی یا فیزیک باشد) چشمت را بدوزی به بچه‌ها و هیچ کار مفیدی انجام ندهی! آن هم وقتی کلی کار عقب مانده داری و یک خروار کتاب‌های مورد علاقه‌ات روی هم انبار شده‌اند و فرصت خواندنشان را پیدا نمی‌کنی، واقعاً زجرآور است.

اوایل معلمی، برای این که وقتم تلف نشود، همراه خودم کتابی یا جزوه‌ای سر جلسه‌ی امتحان می‌بردم تا از فرصت استفاده کنم. اما بعد در جلسات شورا و نیز سایر جلسات کوچک‌تر به معلم‌هایی مثل من تذکر دادند که وقتی کتاب می‌خوانید، از توجه به بچه‌ها غافل می‌شوید. درست هم می‌گفتند چون مراقبت چشم می‌خواهد و مطالعه. نیز به هر کدام بپردازی، از دیگری می‌مانی. بعدها دیدم معلم‌های با تجربه‌تر، هر کدام برای استفاده از زمان مراقبت، برای خود طرحی دارند بعضی ذکرهای نذری‌شان را می‌گفتند. آن‌ها که سوره‌ای از قرآن حفظ بودند، زیر لب می‌خواندند و البته چشمشان به بچه‌ها بود. بعضی هم برنامه و کارهایشان را در ذهن مرور و مرتب می‌کردند.

از سال گذشته فناوری تغییر مهمی در این قسمت از کار من ایجاد کرد. به فکرم رسید از فایل‌های صوتی برای این ساعت استفاده کنم. اولین بار یک فایل سخن‌رانی را روی تلفن همراهم ریختم و همراه خودم بردم سر جلسه. تلفن را در جیبم گذاشته بودم و هدفون‌ها را در گوش. نگاهم کاملاً روی دانش‌آموزان متمرکز بود. چیزی که از یک مراقب انتظار می‌رود. دستم هم در داخل جیب روی دکمه‌ی کنترل تلفن بود تا به محض این که دانش‌آموزی دست بلند کرد و خواسته‌ای داشت، سخن‌رانی را متوقف کنم و کار او را راه بیندازم.

تجربه‌ی خوبی بود، بر خلاف همیشه که بعد از جلسه‌ی امتحان احساس بد اتلاف وقت را داشتم، این بار خیلی هم راضی بودم. حالا چندین کتاب صوتی از آن‌هایی که همیشه دلم می‌خواست بخوانم و فرصتش را نمی‌کردم، دانلود کرده‌ام تا هنگام مراقبت و در سایر زمان‌های انتظار مثل وقت‌هایی که در مترو ایستاده‌ام، به این کتاب‌های صوتی گوش بدهم مثلاً من خیلی به کتاب‌های تاریخی علاقه‌مندم و کتاب‌های تاریخی زیادی در سبد آرزوهای من صف کشیده‌اند تا زمانی وقت خواندنشان را پیدا کنم.

فکر می‌کنم موفق شده‌ام تنها بخش غیر لذت بخش معلمی را هم از فهرست کارهایم حذف کنم!

ترفندهای Word

● احسان مظلومی

کسانی که با آموزش سر و کار دارند. اگر قرار باشد از رایانه استفاده کنند، قبل و بیش از هر چیز با نرم‌افزار «Microsoft Word» سر و کار خواهند داشت (البته از اینترنت گردی که بگذریم). به همین دلیل هم خیلی از خوانندگان این مطلب، با ورد به اندازه‌ی کافی آشنا هستند و احتمالاً با خود می‌گویند: دیگر چه نیازی به آموزش ورد هست؟ آن هم در مجله‌ای که ادعای فناوری و پیشرو بودن دارد. بعد از آن همه مقاله در مورد نرم‌افزارهای پیشرفته و انیمیشن‌سازی، برگشته‌اید به ورد؟!

ولی خب کمی صبر کنید. این‌جا ورد آموزش نمی‌دهیم. به عنوان مطلب نگاه کنید. قرار است مطالبی را از ورد بگوییم که هر کسی نمی‌داند. مسلماً ۹۰ درصد خواننده‌های این مطلب می‌توانند با ورد متنشان را تایپ و آن را چاپ کنند. ولی با خواندن این یادداشت‌ها خواهید توانست با ورد فیل هوا کنید! باور نمی‌کنید؟ تا آخر کار با ما باشید تا ببینید. گاهی ما برای رسیدن به یک نتیجه‌ی ساده کارهای عجیب و غریبی می‌کنیم. در حالی که ورد به سادگی آن کارها را انجام می‌دهد. مثلاً خیلی‌ها برای نوشتن فهرست مطالب برای متنشان، آن را صفحه به صفحه بررسی و فهرست را دستی تایپ می‌کنند. در این مقاله وقتی ببینید که خود word فهرست مطالب را شسته و رفته برایتان تهیه می‌کند، دیگر هرگز فهرست مطالب را دستی نمی‌نویسید؛ مخصوصاً اگر بدانید که می‌توانید بعد از انجام هر تغییری، این فهرست را با دو کلیک به روز کنید تا همه‌ی تغییرات را نشان دهد.

تهیه فهرست مطالب در word 2007

در این سلسله یادداشت‌ها، می‌خواهیم نکات و ترفندهایی را از نرم‌افزار Microsoft Word بررسی کنیم که کار کردن با این نرم‌افزار را آسان‌تر و جذاب‌تر می‌کنند و با دانستن بعضی از آن‌ها ساعت‌ها در وقت ما صرفه‌جویی می‌شود. نسخه‌ی مورد استفاده‌ی ما «word 2007» است. اگر هنوز هم دارید از ۲۰۰۳ استفاده می‌کنید، وقتش شده فکری بکنید. چون همین ۲۰۰۷ هم قدیمی شده است و ۲۰۱۰ دارد وارد بازار می‌شود.

اما بپردازیم به تهیه‌ی فهرست مطالب. ورد می‌تواند برای مقاله، پایان‌نامه یا کتاب شما، ظرف چند ثانیه، یک فهرست تهیه کند؛ البته به شرطی که شما تعیین کرده باشید، چه چیزهایی باید فهرست شوند. یعنی باید نام فصل‌ها، درس‌ها و همه‌ی آن‌چه را که می‌خواهید در فهرست بیاید، تعیین کنید. اگر به بالای صفحه‌ی ورد دقت کرده باشید، حتماً دکمه‌های مربوط به Quick style را در روبان Home دیده‌اید (تصویر ۱).



ابزار فهرست‌ساز، به‌طور پیش فرض متن‌هایی را که با استایل‌های **Heading 1**، **Heading 2** و **Title** قالب‌بندی شده باشند، فهرست می‌کند. (دکمه‌های سوم تا پنجم از سمت چپ). پس شما هم متن را با همین استایل‌ها قالب‌بندی کنید. مثلاً اگر فصل و درس دارید، نام فصل‌ها را با استایل **Heading 1** و نام درس‌ها را با استایل **Heading 2** قالب‌بندی کنید. روش کار به این صورت است: ابتدا متن مورد نظرتان را انتخاب (highlight) کنید. سپس برای مثال، روی دکمه‌ی **Heading 1** کلیک کنید (مشابه تصویر ۲).



به همین شیوه همه‌ی متن‌های مورد نظرتان را قالب‌بندی کنید. البته ممکن است فونت و رنگ متن استایل‌های **Heading 1** و **Heading 2** مورد پسند شما نباشند. در این صورت می‌توانید آن‌ها را تغییر دهید. برای این کار روی دکمه‌ی راست کلیک کنید و از منویی که باز می‌شود، دکمه‌ی «Modify» را کلیک کنید. کادری باز خواهد شد که در آن می‌توانید تغییرات دل‌خواهتان را در این استایل



دفتر انتشارات کمک آموزشی

با مجله‌های رشد آشنا شوید

مجله‌های رشد توسط دفتر انتشارات کمک آموزشی سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وابسته به وزارت آموزش و پرورش تهیه و منتشر می‌شوند؛

مجله‌های دانش‌آموزی

به صورت فصلنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد **کودک** (برای دانش‌آموزان ابتدایی و پایه اول دوره ابتدایی)
- رشد **شادمان** (برای دانش‌آموزان پایه‌های دوم و سوم دوره ابتدایی)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان پایه‌های چهارم و پنجم دوره ابتدایی)
- رشد **نوجوان** (برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد **دانش‌آموز** (برای دانش‌آموزان دوره متوسطه و دبیرستان‌ها)

مجله‌های بزرگسال عمومی

به صورت فصلنامه و ۸ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد آموزش ابتدایی • رشد آموزش راهنمایی تحصیلی • رشد تکنولوژی
- آموزش • رشد مدرسه فردا • رشد مدیریت مدرسه • رشد معلم

مجله‌های بزرگسال اختصاصی

به صورت فصلنامه و ۴ شماره در هر سال تحصیلی منتشر می‌شوند:

- رشد برهان راهنمایی (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره راهنمایی تحصیلی)
- رشد برهان متوسطه (مجله ریاضی برای دانش‌آموزان دوره متوسطه) • رشد آموزش
- فران • رشد آموزش معارف اسلامی • رشد آموزش زبان و ادب فارسی • رشد آموزش
- هنر • رشد مشاور مدرسه • رشد آموزش تربیت‌بدنی • رشد آموزش علوم اجتماعی
- رشد آموزش تاریخ • رشد آموزش جغرافیا • رشد آموزش زبان • رشد آموزش
- ریاضی • رشد آموزش فیزیک • رشد آموزش شیمی • رشد آموزش زیست‌شناسی
- رشد آموزش زمین‌شناسی • رشد آموزش فن‌په‌رحرفه‌ای • رشد آموزش پیش‌دبستانی

مجله‌های رشد عمومی و اختصاصی برای آموزگاران، معلمان، مدیران و کارکنان اجرایی مدارس، دانش‌جویمان مراکز تربیت‌معلم و رشته‌های دبیری دانشگاه‌ها و کارشناسان تعلیم و تربیت تهیه و منتشر می‌شوند.

• نشانی: تهران، خیابان ایرانشهر شمالی، ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش، پلاک ۲۶۶، دفتر انتشارات کمک آموزشی

• تلفن و نمابر: ۰۲۱ - ۸۸۲۰۱۲۷۸



۳

بدهید (تصویر ۳).
خب، تا این‌جا مرحله‌ی اول کار را انجام دادیم. مرحله‌ی اصلی همان تولید فهرست است. ابتدا، در جایی که می‌خواهید فهرست آن‌جا ایجاد شود، کلیک کنید. معمولاً فهرست را در ابتدای فایل متنی ایجاد می‌کنیم. حالا روی «references» را فعال کنید. روی دکمه‌ی «Table of contents»



۴

سمت چپ کلیک کنید و از میان قالب‌هایی که برای فهرست نشان داده می‌شوند، یکی را انتخاب کنید (تصویر ۴).



۵

می‌بینید که فهرست شما ایجاد می‌شود (تصویر ۵). البته هنوز کارمان تمام نشده است و فهرستمان کمی اشکال دارد. چیدمان آن معکوس است. فونت را هم ممکن است بخواهیم عوض کنیم. برای اصلاح اشکالات، ابتدا با کلیک و کشیدن ماوس، همه‌ی فهرست را انتخاب کنید. حالا می‌توانید



۶

فونت و اندازه‌ی مورد نظرتان را برای فهرست تعیین کنید. برای این که شماره‌ی صفحه‌ها در سمت چپ قرار بگیرد، در حالی که همه‌ی متن فهرست انتخاب شده است، روی دکمه‌ی «☐» کلیک کنید. حالا یک فهرست شسته و رفته داریم (تصویر ۶).

